

مهاجرت و موتیونیا: نقش بهزیستی و بهخواستی در تمایل زبان‌آموزان به مهاجرت از کشور

بابک حسین‌پور*، حسین صادق‌اوغلی**، افسر روحی***

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۲۵)

چکیده

در سال‌های اخیر تمایل به مهاجرت در بین ایرانیان به شدت گسترش یافته است. از این رو، در این مطالعه، با بهره‌گیری از رویکرد موتیونیا (بهزیستی انگیزشی) به‌عنوان چارچوب نظری جدیدی درحوزه بهزیستی، به بررسی تأثیر بهزیستی و بهخواستی بر تمایل زبان‌آموزان به مهاجرت از ایران پرداخته شده است. با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس، ۱۹۳ فراگیر زبان انگلیسی اعم از دانشجویان رشته زبان انگلیسی در دانشگاه آزاد اسلامشهر و دانش‌آموزان شش دبیرستان واقع در شهرستان بهارستان که علاوه بر کلاس‌های زبان مدرسه در مؤسسات زبان نیز مشغول یادگیری زبان انگلیسی بودند، جهت ورود به مطالعه انتخاب شدند. داده‌ها با پرسش‌نامه محقق‌ساخته و در بازه زمانی مهر تا پایان آذر ماه سال ۱۳۹۸ جمع‌آوری گردید. با تحلیل مدل رگرسیونی چندگانه خطی، یافته‌های تحقیق نشان داد بهزیستی عملیاتی فراگیران در بستر آموزش زبان، میل فراگیران به ارتقاء بهزیستی آتی (به‌عنوان شاخص بهخواستی) و دو بُعد بهزیستی کلان (شامل روابط اجتماعی و بهزیستی روان‌شناختی) تأثیر معناداری بر تمایل آن‌ها به مهاجرت دارند. بنابراین، برای جلوگیری از مهاجرت سرمایه‌های انسانی، دولت‌مردان می‌توانند با سیاست‌گذاری‌های مبتنی بر واقعیت، نگاه ایرانیان برای ارتقاء بهزیستی را به درون مرزها معطوف نمایند.

کلیدواژه‌ها: مهاجرت، موتیونیا، بهزیستی، بهخواستی، آموزش زبان انگلیسی، روان‌شناسی مثبت‌گرا.

* دانشجوی دوره دکتری آموزش زبان انگلیسی، گروه زبان انگلیسی، واحد سراب، دانشگاه آزاد اسلامی، سراب، ایران.

E-mail: babak.elsan@gmail.com

** استادیار آموزش زبان انگلیسی، گروه زبان انگلیسی، واحد سراب، دانشگاه آزاد اسلامی، سراب، ایران (نویسنده مسئول).

E-mail: hsadeg2000@yahoo.com

*** دانشیار آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

E-mail: afsarrouhi@uma.ac.ir

مقدمه

کشورها برای تربیت نیروی انسانی و بهره‌برداری از همین نیروها برای به حرکت درآوردن موتور اقتصادی سرمایه‌گذاری کلانی می‌نمایند. لذا انتظار می‌رود سیاست‌گذاری‌های دولت در راستای حفظ این سرمایه‌ها در داخل کشور و جلوگیری از مهاجرت آن‌ها و استثمارشان توسط کشورهای بیگانه باشد. اما این به معنای جلوگیری از مهاجرت ایرانیان به‌ویژه نسل جوان و نخبگان با توسل به نیروی قهریه نیست. بلکه مقصود شناسایی علل مهاجرت و مبادرت به ایجاد بستری مناسب جهت رفع دغدغه‌ها و حذف عواملی است که ماشین مهاجرت را سرعت می‌بخشند. مهاجرت می‌تواند منجر به ازدست‌دادن ثروت مادی، علمی و فنی و مانع رشد و توسعه کشورهای مبدأ و موجب تغییر موازنه شاخص‌های توسعه‌ای به نفع کشورهای مقصد گردد. ایران در دهه‌های گذشته به یکی از قربانیان مهاجرت بدل شده است. بر اساس آمار سازمان‌های جهانی نظیر بانک جهانی و سازمان ملل، بیش از ۱/۹ میلیون نفر ایرانی در خارج از مرزهای ایران اقامت دارند که حدوداً برابر با ۲/۲۹ درصد جمعیت ایران می‌باشد (رصدخانه مهاجرت ایران، ۲۰۲۰). جذاب‌ترین مقصدهای مهاجرتی برای ایرانیان عبارتند از: کشورهای آمریکای شمالی، اروپای غربی، استرالیا، کشورهای جنوب خلیج فارس و ترکیه (آزادی و همکاران، ۲۰۲۰؛ رصدخانه مهاجرت ایران، ۲۰۲۰). ایرانیان مقیم خارج از کشور، بخش قابل‌توجهی از جمعیت مهاجران کشورهای میزبان خود را تشکیل می‌دهند؛ به‌عنوان مثال، طبق گزارش ۲۰۲۰ سازمان بین‌المللی مهاجرت و سازمان ملل^۳ (۲۰۱۹)، ایران جزء ۱۰ کشور نخست مهاجرگسیل به کانادا قرار دارد. بخش قابل‌توجهی از مهاجران ایرانی نخبگان علمی هستند. به‌عنوان مثال، در سال ۲۰۱۷ در حدود ۷۴/۷ درصد از ایرانیان مقیم آمریکا با رده سنی ۲۵ سال و بالاتر، دارای تحصیلات عالی بودند که بسیار بالاتر از ۴۷/۴ درصد نرخ مربوط به کل کشور آمریکاست (رصدخانه مهاجرت ایران، ۲۰۲۰).

بنابراین، برای مدیریت صحیح سرمایه‌های انسانی کشور، نیازمند بررسی جوانب و عوامل مختلف مهاجرت از منظرهای متفاوت می‌باشیم تا بتوانیم با شناختی صحیح، مبادرت به سیاست‌گذاری‌های لازم برای کاهش آسیب‌های ناشی از مهاجرت برون‌مرزی ایرانیان به‌ویژه قشر

-
1. Iran Migration Observatory
 2. Azadi et al.
 3. International Organization for Migration, & United Nations

جوانان و نخبگان نماییم. باتوجه به اینکه، مستفاد از پیشینه تحقیق که در قسمت بعدی به شرح آن می‌پردازیم، هسته اصلی اغلب عللی که در نظریات پیشین مهاجرت مطرح شده‌اند معطوف به مسائل بهزیستی و ابعاد مختلف آن می‌باشد، لذا نویسندگان تحقیق حاضر درصدد هستند، در این مطالعه، ضمن پرداختن و تأکید بر ریشه رفاهی علل مهاجرت و نقش ابعاد بهزیستی در ایجاد تمایل و اقدام به مهاجرت، با بهره‌گیری از رویکرد موتیوونیا^۱ که مبتنی بر انگیزش‌های رفاهی و تأثیر آن روی رفتار انگیزشی می‌باشد، ارتباط دلایل انگیزشی-رفاهی با تمایل فراگیران زبان انگلیسی به مهاجرت را بررسی نمایند. به عبارتی دیگر، پژوهش حاضر قصد دارد روایی رویکرد انگیزشی-رفاهی موتیوونیا را در تبیین واریانس تمایل به مهاجرت از کشور که نوعی تمایل به رفتار انگیزشی-رفاهی آتی تلقی می‌گردد، بیازماید.

دلیل انتخاب فراگیران زبان انگلیسی به‌عنوان جامعه آماری تحقیق حاضر، رابطه دوسویه بین آموزش زبان خارجه و مهاجرت بین‌المللی است. از طرفی، بخش قابل توجهی از فراگیران زبان انگلیسی تمایل دارند به کشورهای خارجی خصوصاً انگلیسی‌زبان و یا سایر کشورهای که زبان انگلیسی در اجتماعات و یا مراکز آموزشی و دانشگاهی آن‌ها دارای جایگاه ویژه‌ای است، مهاجرت نمایند. از طرفی دیگر، آموزش زبان انگلیسی به‌عنوان مهمترین زبان میانجی بین‌المللی، از لازمه‌های بسیار مهم برای مهاجرین بین‌المللی می‌باشد. به عبارتی دیگر، هم مهاجرت از کشور در میان زبان‌آموزان و هم آموزش زبان خارجه به‌ویژه انگلیسی برای مهاجران دارای جایگاه ویژه‌ای است. از این رو، به نظر می‌رسد تحقیق درباره علل انگیزشی-رفاهی مهاجرت زبان‌آموزان از ایران با بهره‌مندی از رویکرد موتیوونیا که همسو با اهداف تحقیق می‌باشد می‌تواند به شناخت بهتر رابطه آموزش زبان و مهاجرت برون‌مرزی کمک قابل ملاحظه‌ای نماید.

چارچوب نظری

مهاجرت چه به صورت درون‌مرزی و چه برون‌مرزی یک هدف غایی نبوده بلکه وسیله‌ای برای رسیدن به هدفی نهایی است. با مطالعه پیشینه پژوهشی مرتبط و نظریات ارائه شده برای تبیین و

۱. واژه *motivonia* به‌عنوان نام لاتین برای این رویکرد از ترکیب *motiv+onia* ساخته شده است. *motiv* به دو سیلاب نخست واژه *motivation* (انگیزش) و *onia* به دو سیلاب پایانی دوگانه شادکامی مطرح شده توسط ارسطو یعنی *hedonia* و *eudaimonia* اشاره دارد.

تشریح علل مهاجرت که در این مقاله نگاهی اجمالی به اهم آن‌ها خواهد شد، می‌توان دریافت که تمایل به مهاجرت یک انگیزشی بهزیستی-محور است؛ یعنی ریشه دلایل و محرک‌های مهاجرت، عوامل رفاهی و ابعاد مختلف بهزیستی است. از طرفی دیگر، رویکرد موتیوونیا که بر اساس وجه اشتراک و تعامل بین انگیزش و بهزیستی پیکربندی شده است، سعی می‌نماید با ارائه یک چارچوب مفهومی واحد، نحوه عملکرد بهزیستی و رفاه آرزو شده توسط تجربه‌گران را در توضیح هرگونه رفتار انگیزشی و پوشش حال و آتی آنان تبیین نماید. بنابراین، به نظر می‌رسد رویکرد موتیوونیا که قائل به ارتباط و تأثیرپذیری دوسویه بین بهزیستی و انگیزش است چارچوب مناسبی برای تبیین تمایل زبان‌آموزان به مهاجرت از کشور را ارائه نماید که در ذیل، مباحث و ابعاد آن به اختصار معرفی می‌گردند. اما قبل از پرداختن به نقد و بررسی نظریات مهاجرت و رویکرد موتیوونیا، شایسته است مختصراً مهمترین ارکان و ابعاد مفهوم بهزیستی را به‌عنوان هسته مرکزی مباحث پیش رو مرور نماییم.

بهزیستی

بهزیستی^۱ به‌عنوان مهمترین مفهوم روان‌شناسی مثبت‌گرا^۲ به‌زعم ارسطو^۳ (۲۰۱۱)، در قالب مفهوم شادکامی به دو نوع هیدونیا^۴ (اهداف لذت‌طلبانه) و یودایمونیا^۵ (اهداف فضیلت‌طلبانه) طبقه‌بندی می‌گردد. هیدونیا شامل رضایت از زندگی و شادکامی به‌معنای عام آن نظیر داشتن احساسات مثبت مانند لذت و فقدان احساسات منفی مانند ترس و اضطراب است. اما، یودایمونیا به داشتن یک زندگی پرفضیلت و معنادار و به فعلیت رساندن پتانسیل‌ها و استعدادها فردی دلالت دارد. نظریه دیگری که از لحاظ ساختاری شبیه به یودایمونیاست بهزیستی روان‌شناختی^۶ است که متشکل از شش بُعد اصلی می‌باشد: خودپذیری^۷، رشد شخصی^۸، هدف در زندگی^۹، خودمختاری

1. Wellbeing
2. Positive Psychology
3. Aristotle
4. Hedonia
5. Eudaimonia
6. Psychological Wellbeing
7. Self-Acceptance
8. Personal Growth
9. Purpose in Life

(دارای اختیار عمل)^۱، روابط مثبت با دیگران^۲ و تسلط بر محیط^۳ (ریف^۴، ۱۹۸۹، ۲۰۱۴). از لحاظ اندازه‌گیری، بهزیستی به دوگانه عینی و ذهنی طبقه‌بندی می‌گردد. بهزیستی عینی از طریق شاخص‌های عینی مانند وضعیت سلامت جسمی و سطح درآمد، و بهزیستی ذهنی غالباً به اندازه‌گیری رتبه‌ای (نظیر مقیاس لیکرت) درک فرد از وضعیت بهزیستی‌شان از جنبه‌های الف) بُعد شناختی شامل کیفیت زندگی و رضایت از زندگی و ب) بُعد عاطفی از جمله احساسات مثبت مانند شادی، هیجان مثبت و عدم وجود احساسات منفی مانند اضطراب، ترس، غم و عصبانیت می‌پردازد (دینر^۵، ۱۹۸۴). اما سلیگمن^۶ (۲۰۱۲) در نظریهٔ اخیر خود به نام «پرما»^۷ بهزیستی را شامل ۵ بُعد معرفی می‌کند که عبارتند از: هیجان مثبت^۸ (نظیر لذت، شغف، و زندگی رضایت‌بخش)، مجذوبیت^۹ (توقف زمان و از دست دادن خود آگاهی شبیه به حالت خلسه^{۱۰})، روابط مثبت^{۱۱} (با افراد پیرامون از قبیل خانواده، دوستان، همکاران و غیره)، معنا^{۱۲} (زندگی هدفمند و توأم با فضیلت) و کامیابی^{۱۳} (دستاوردهای افتخارآمیز).

رویکرد موتیوونیا

موتیوونیا یک نوع نگاه نوین با رویکردی انگیزشی-رفاهی است که تلاش می‌نماید انگیزش‌های مؤثر بر عملکرد انسان‌ها در حوزه‌های مختلفی از زندگی افراد را تبیین نماید. بنابراین، موتیوونیا محصور به یک حوزهٔ خاصی نیست و یک چارچوب کلی می‌باشد که در رسالهٔ دکتری نگارندهٔ اول مقاله پیش رو (حسین‌پور^{۱۴}، ۲۰۲۱) به مشروح مباحث و ابعاد مفروض بر آن پرداخته شده است. در تحقیق حاضر، ضمن ارائهٔ خلاصه‌ای از ابعاد، مباحث و پشتوانهٔ علمی و نظری موتیوونیا، ارتباط نظری موتیوونیا با نظریات مطرح در خصوص مهاجرت و نهایتاً کاربرد و روایی

1. Autonomy
2. Positive Relations with Others
3. Environmental Mastery
4. Ryff
5. Diener
6. Seligman
7. PERMA
8. Positive Emotion
9. Engagement
10. Flow
11. Relationships
12. Meaning
13. Achievement
14. Huseynpur

آن در تبیین تمایل به مهاجرت مورد پژوهش قرار می‌گیرد.

موضوع بحث و قلمرو موتیونیا یا همان انگیزش رفاهی، ناحیه هم‌پوشانی و تعامل انگیزش و بهزیستی است. به عبارتی دیگر، موتیونیا به تأثیر دوسویه و همپوشانی زیاد مباحث فی‌مابین بهزیستی و انگیزش اشاره دارد. انسان ذاتاً تمایل به ارتقاء کیفیت زندگی و بهزیستی خود داشته و اهداف و گام‌های عملی او برای رسیدن به آن‌ها، در راستای رسیدن به سعادت و شادکامی است. از این رو، بر اساس رویکرد موتیونیا، هر گامی که در مسیر زندگی برداشته می‌شود متأثر از بهزیستی گذشته،^۱ بهزیستی حال^۲ و بهزیستی مدنظر آتی^۳ است. عموماً پیشینه پژوهش در زمینه بهزیستی متمرکز بر بهزیستی گذشته و حال بوده و توجه کمتری به مقصود و آرزوی افراد برای بهزیستی آینده خود شده است. لذا بر اساس رویکرد موتیونیا، رفتار انگیزشی و اقدامات عملی افراد، حاصل دو عامل انگیزشی با عناوین بهزیستی (سعادت و شادکامی حاصل از وقایع گذشته و حال) و بهخواستی (جاذبه حاصل از تصویر سعادت و شادکامی مطلوب آتی) می‌باشند، که هر دو نیرو محرکه گام‌های عملی و رفتارهای انگیزشی افراد می‌باشند. در واقع، هسته اصلی بهزیستی، هدف‌محور بودن آن است که به طرق مختلف طبقه‌بندی می‌گردند: من جمله، اهداف لذت‌طلبانه^۴ مانند بهبود مالی یا اهداف فضیلت‌طلبانه^۵ مانند تعالی‌جویی و دست‌یابی به زندگی با فضیلت و معنادر. شایان ذکر است انگیزه‌های درونی^۶ و برونی^۷ در روان‌شناسی به ترتیب با مفاهیم فضیلت‌طلبانه و لذت‌طلبانه در روان‌شناسی مثبت‌گرا قرابت ساختاری دارند (رایان و مارتلا،^۸ ۲۰۱۶).

ابعاد موتیونیا

همه فعالیت‌های انسان هدف‌محور هستند و غایت و هدف نهایی بشر رسیدن به سعادت است. لذا اهداف میانی در این مسیر، صرفاً در جهت تحقق هدف نهایی یعنی ارتقاء بهزیستی توجیه‌پذیرند. به عبارتی دیگر، بهزیستی همه جنبه‌ها و اهداف زندگی انسان‌ها، صرف‌نظر از زمان

1. Previous Wellbeing
2. Present Wellbeing
3. Desired Future Wellbeing
4. Hedonic Wellbeing
5. Eudaimonic Wellbeing
6. Intrinsic Motivation
7. Extrinsic Motivation
8. Ryan & Martela

(گذشته، حال یا آینده)، طول مدت (موقت، کوتاه‌مدت یا بلندمدت)، حوزه‌های زندگی (آموزشی، شغلی، اجتماعی، مالی، سیاسی و بهداشتی)، غایت هدف (لذت‌طلبانه یا فضیلت‌طلبانه)، عوامل درون‌فردی (عوامل روان‌شناختی نظیر خودهای مختلف) و عوامل میان‌فردی مانند روابط با خانواده، دوستان و جامعه را در بر می‌گیرد.

بهزیستی را در سه گروه زمانی می‌توان بررسی کرد: گذشته، حال و آینده. بهزیستی پیشین ما که در رویکرد موتیوونیا «بهزیسته»^۱ نامیده می‌شود، عبارتست از ارزیابی فعلی فرد از وضعیت بهزیستی پیشین خود و نه وضعیت عینی و واقعی بهزیستی تجربه‌شده فرد در گذشته. لذا تعیین مرز مشخص بین بهزیستی کنونی و بهزیسته دشوار است؛ به‌ویژه درخصوص افرادی که فاقد نقطه عطف تعیین‌کننده‌ای در وضعیت بهزیستی خود از گذشته تا به حال می‌باشند. از طرفی دیگر، بهزیستی کنونی و بهخواستی افراد (بهزیستی مقصود و مورد انتظار آتی) نیز تأثیرات دوجانبه‌ای بر یکدیگر دارند. بهزیستی کنونی نه‌تنها پتانسیل هدایت فرد به سوی تعیین هدف مشخص را دارد، بلکه در انتخاب مسیر منتهی به هدف و در کیفیت طی طریق نیز نقش می‌آفریند. بنابراین، به‌مجرد شکل‌گیری تصویر بهزیستی مدنظر آتی در ذهن فرد، این تصویر به مثابه نیروی محرکه‌ای فرد را به سمت تحقق خواسته سوق داده و بر کیفیت بهزیستی کنونی او اثر می‌گذارد. همچنین، بهزیستی کنونی نیز روی اقدامات عملیاتی و تلاش‌های صورت‌گرفته برای تحقق بهزیستی مدنظر آتی اثرگذار می‌باشد. از این رو، می‌توان گفت، از لحاظ زمانی با دو نوع بهزیستی مواجهیم: الف) بهزیستی کنونی که عموماً در همان مفهوم عام، به‌عنوان بهزیستی یا رفاه شناخته می‌شود و ب) بهزیستی مدنظر آتی که در رویکرد موتیوونیا «بهخواستی» نامیده می‌شود.

بهزیستی به دو نوع الف) بهزیستی کلان‌زندگی^۲ و ب) بهزیستی خرد^۳ (مربوط به حوزه خاصی از زندگی) نیز طبقه‌بندی می‌گردد (کامینز، ۱۹۹۶). بهزیستی کلان، در واقع، برآیند بهزیستی و رضایت فرد از کلیه حوزه‌های خاص زندگی خود می‌باشد. برخی از حوزه‌های زندگی افراد عبارتند از: حوزه آموزشی، بهداشتی و سلامت، اقتصادی، اجتماعی، شغلی، عاطفی و سایر موارد. حوزه آموزشی، و به‌تبع آن بستر آموزش زبان خارجی که آموزش بلندمدت

1. Wellbeing
2. Global Wellbeing
3. Domain-Specific Wellbeing
4. Cummins

محسوب می‌شود، یکی از مهمترین حوزه‌های بهزیستی افراد می‌باشد؛ زیرا افراد بخش قابل توجهی از عمر خود را در محیط‌های آموزشی و در امر تعلیم و تعلم می‌گذرانند. در چارچوب موتیوونیا، نوعی از بهزیستی که در حین فعالیت در حوزه خاصی از زندگی نظیر حوزه آموزشی تجربه می‌شود با عنوان «بهزیستی عملیاتی»^۱ مطرح گردیده، که به‌طور عمده مربوط به بهزیستی روان‌شناختی فردیست که در حال انجام یک فعالیت خاصی برای تحقق هدف و مقصود خود در همان حوزه زندگی است. سعی بر دستیابی و حفظ وضعیت رضایت‌بخش در تمام ابعاد بهزیستی کنونی و ارتقاء آن‌ها به بهزیستی مطلوب‌تر آتی، در حقیقت، منابع انگیزشی مؤثر در ارتقاء شادکامی و سعادت افراد هستند. به‌بیانی دیگر، عامل بهخواستی می‌تواند به‌عنوان تصویری از بهزیستی مطلوب‌تر در آینده موجب ارتقاء وضعیت بهزیستی کنونی گردد.

رویکرد انگیزشی-رفاهی موتیوونیا و مباحث مربوط به آن با برخی از نظریه‌های انگیزشی قرابت مفهومی دارد. به‌طور کلی، محور اصلی نظریه‌های انگیزشی، بررسی انواع اهداف و روش‌های دستیابی به آن‌ها می‌باشد. به‌عنوان مثال، در نظریه خودتعیین‌گری^۲ (دسی و رایان^۳، ۲۰۰۰) که یکی از تأثیرگذارترین نظریه‌ها در روان‌شناسی انگیزشی می‌باشد (دورنیه^۴، ۲۰۰۳)، انگیزش‌ها به دوگانه درونی و برونی گروه‌بندی می‌شوند. در مطالعات تجربی مبتنی بر نظریه خودتعیین‌گری، اهدافی نظیر موفقیت مالی، دستیابی به جایگاه اجتماعی و داشتن یک تصویر جذاب از خود به‌عنوان انگیزش‌های برونی و اهدافی از قبیل رشد شخصی، روابط معنادار و انجام وظایف اجتماعی به‌عنوان انگیزش درونی تلقی می‌شوند. درحالی‌که تمایل به ارتقاء بهزیستی یا همان بهخواستی در بطن هر دو نوع انگیزش نهفته است؛ خواه درونی و فضیلت‌خواهانه، خواه برونی و لذت‌طلبانه.

رویکرد نظریه خودهای ممکن^۵ مارکوس و نوریوس^۶ (۱۹۸۶) و نظریه تناقض خودها^۷ (ناهم‌خوانی خودها) توسط هیگینز^۸ (۱۹۸۷) نیز به‌نظر می‌رسد هم‌سو با رویکرد موتیوونیا باشد.

-
1. Engaging Wellbeing
 2. Self-Determination Theory
 3. Deci & Ryan
 4. Dörnyei
 5. Possible Selves
 6. Markus & Nurius
 7. Self-Discrepancy Theory
 8. Higgins

مارکوس و نوریوس (۱۹۸۶) معتقدند خودهای ممکن ایده‌آلهایی هستند که خیلی دوست داریم بشویم، انتظار می‌رود بشویم و یا از تبدیل شدن به آن‌ها می‌هراسیم. خودهای ممکن آرمانی ما می‌توانند شامل خود موفق، خود خلاق، خود ثروتمند، خود باریک‌اندام یا خود عشق‌ورزیده شده و یا تحسین شده باشند، درحالی‌که خودهای ممکنی که از آن‌ها هراسانیم می‌توانند خود تنها، خود افسرده، خود ناتوان، خود الکلی، خود بیکار یا خود خانم چاق باشند. به‌زعم هیگینز (۱۹۸۷)، خود شایسته^۱ (ایده‌آل) به‌طورکلی، به تحقق خود آرزو شده در آینده اشاره دارد. اما خود بایسته^۲ (اجباری، بایدی) بیشتر تصویری از خود در آینده است که توسط دیگران بر ما تحمیل شده است و ممکن است با خودهای شایسته و خودهای ممکن ما متفاوت باشد. هیگینز (۱۹۹۸) همچنین معتقد است خود شایسته جنبه ارتقاء دهنده، ولی خود بایسته نقش پیشگیرانه دارند. به‌رغم رویکردهای متفاوت، وجه اشتراک «نظریه‌های خود» با موتیوونیا انگیزش حاصل از میل به ارتقاء در آینده است. نظریه‌های خود با رویکردی روان‌شناختی مبتنی بر ارتقاء تصاویر ذهنی از آینده خود می‌باشند؛ اما موتیوونیا، با رویکردی تلفیقی از جامعه‌شناختی و روان‌شناختی، قائم بر جاذبه بهزیستی آتی مدنظر در رفتار انگیزشی افراد است. مضافاً، بر خلاف نظریه‌های خود که در آن‌ها خود کنونی بیشتر به‌عنوان مبدأ مقایسه با خودهای آتی است، در رویکرد پیشنهادی موتیوونیا، از بهزیستی کنونی نه‌تنها به‌عنوان مبدأ مقایسه، بلکه به‌عنوان عامل مؤثر بر رفتار انگیزشی و تعیین اهداف نیز یاد می‌شود. در بخش بعدی به تشریح ارتباط مباحث و ابعاد بهزیستی و علل مهاجرت می‌پردازیم.

نظریه‌های مهاجرت

جهت روشن شدن جایگاه بهزیستی و ابعاد آن در شکل‌دهی به جریان مهاجرت در پیشینه موضوع، در این بخش، به تعدادی از نظریه‌های هم‌راستا با آن به‌صورت گذرا اشاره می‌کنیم. اولین نظریه مهاجرت، نظریه اورت لی^۳ (۱۹۶۶) موسوم به «دفع-جذب»^۴ معروف‌ترین نظریه مهاجرت است که دلیل اصلی مهاجرت را در تفاوت فاحش بین محل مبدأ و محل مقصد در خصوص ابعاد و عوامل گسترده‌ای نظیر عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، جمعیتی و

1. Ideal Self
2. Ought-to Self
3. Everett Lee
4. Pull-Push Theory

محیط‌زیستی معرفی می‌کند؛ که در صورتی که در سرزمین مقصد مطلوب‌تر باشند، منجر به ایجاد بستر هجرت از مبدأ به سرزمین مقصد خواهد شد. به زعم لی (۱۹۶۶)، علاوه بر عوامل مبدأ و مقصد، دو دسته از عوامل دیگر موسوم به «موانع مداخله‌گر»^۱ و «عوامل فردی» نیز هستند که بر تصمیم، اقدام و یا انصراف از مهاجرت مؤثرند. موانع مداخله‌گر در واقع نقش بازدارندگی را در امر مهاجرت ایفاء می‌کنند. یکی از موانع مداخله‌گر بعد مسافت است که در هر مهاجرتی همیشه به‌عنوان یکی از موانع حضور دارد. از موانع دیگر می‌توان به قوانین بازدارنده مهاجرتی موضوعه در کشورهای مبدأ و مقصد و هزینه‌های مهاجرت اعم از حمل و نقل، مسکن و لوازم خانه در کشور مقصد اشاره نمود. عوامل فردی نیز در تعامل با سه عامل قبلی وارد معادله می‌شوند. به‌عبارتی دیگر، عوامل مبدأ و مقصد به‌تنهایی بر مهاجرت تأثیر نمی‌گذارند؛ بلکه درک و ارزیابی افراد از عوامل مبدأ و مقصد نیز تحت تأثیر عوامل و ویژگی‌های فردی بر تصمیم و اقدام افراد به مهاجرت مؤثرند. به‌عنوان مثال، حساسیت‌های فردی، آگاهی از شرایط مکان‌های دیگر در ارزیابی شرایط مبدأ و آگاهی از شرایط مقصد از ارتباطات فردی و یا منابع اطلاعاتی‌ای که در دسترس همگان قرار ندارند، تأثیر می‌پذیرند.

در پیشینه بهزیستی، از همین عوامل و ابعاد قلمروهای مبدأ و مقصد، که مورد بحث نظریه‌های مهاجرت هستند، به‌عنوان جوانب و حوزه‌های مختلف بهزیستی افراد یاد می‌شوند. بنابراین، عوامل مؤثر بر بهزیستی افراد در هر دو مکان (مبدأ و مقصد) در چکاندن ماشه مهاجرت فردی یا گروهی نقش کلیدی دارند. این بخش از نظریه دفع-جذب از لحاظ نظری با ساختار بهزیستی و بهخواستی در رویکرد موتیوونیا هم‌سو می‌باشد. همان‌طور که پیشتر نیز گفته شد، بهزیستی کلان وضعیت کنونی شادکامی و رفاه فرد در همه جوانب زندگی اوست و بهخواستی به خواست و آرزوی افراد برای رسیدن به وضعیت بهزیستی مدنظر و مطلوب‌تر در آینده اطلاق می‌گردد. لذا تلقی افراد از عوامل سرزمین مقصد تصویری از وضعیت بهزیستی احتمالی در ذهن آن‌ها ایجاد می‌کند که در مقایسه با بهزیستی کنونی آن‌ها که متأثر از عوامل سرزمین مبدأ می‌باشد مطلوب‌تر به‌نظر رسیده و بهخواستی شکل می‌گیرد که همچون نیروی محرکه رفتار انگیزشی آتی افراد عمل می‌کند. هرچه عوامل قلمرو مقصد منجر به شکل‌گیری تصویر بهزیستی مطلوب‌تری در ذهن فرد گردد، یعنی هرچه فاصله بین بهزیستی کنونی و بهزیستی مدنظر برای آینده در

1. Intervening Obstacles

ارزیابی یک فرد برجسته‌تر باشد، احتمال تصمیم به مهاجرت و غلبه بر نیروی اینرسی (تمایل به بی‌عملی و سکون) و عوامل بازدارندهٔ دیگر و نتیجتاً اقدام به مهاجرت در او قوی‌تر می‌گردد. نظریهٔ نئوکلاسیک مهاجرت یکی از اولین نظریات مهاجرت است که در سطح کلان،^۱ علت اصلی مهاجرت را در تفاوت دستمزدهای کارگری بین بازارهای سرمایه و همچنین بین سرزمین‌های مبدأ و مقصد می‌داند. به عبارتی دیگر، بر اساس این نظریه، مهاجرت ناشی از تفاوت‌های عرضه و تقاضای کار و اختلافات دستمزد بین کشورهای غنی از سرمایه و غنی از نیروی کار است (میتنا کورکوا،^۲ ۲۰۰۹؛ هیکس،^۳ ۱۹۳۲). نظریهٔ نئوکلاسیک مهاجرت در سطح خرد^۴ و انتخاب فردی با نظریهٔ سرمایه انسانی مهاجرت (تودارو،^۵ ۱۹۶۹) نمود می‌یابد که علت مهاجرت را در سطح فردی، به حداکثر رساندن سود و کامیابی مالی معرفی می‌کند (میتنا کورکوا، ۲۰۰۹). در واقع، این نظریه نیز با رویکرد کلی موتیوونیا هم‌سو می‌باشد. زیرا تلاش برای افزایش دستمزد به‌واسطهٔ مهاجرت منجر به افزایش منابع مالی و دسترسی به مؤلفه‌های رفاهی بیشتر و در نهایت افزایش بهزیستی کلی فرد می‌شود.

نظریات کلاسیک مهاجرت غالباً بر عوامل کلان اقتصادی، با مقیاس‌های عینی نظیر تفاوت‌های بین مبدأ و مقصد در نرخ اشتغال، مخارج معیشتی و سطح درآمد، متمرکز هستند؛ و به عوامل اجتماعی از قبیل روابط اجتماعی افراد با دیگران که محور نظریهٔ شبکه^۶ و نظریهٔ مهاجرت تَرامللی^۷ است توجه کمتری می‌نمایند. درحالی‌که یکی از مهمترین ابعاد بهزیستی بُعد روابط فردی و گروهی سازنده در اجتماع محل زندگی است. اگر این روابط در کشور مبدأ قوی باشد، به‌عنوان مانعی مداخله‌گر، تصمیم‌گیری را سخت‌تر خواهد نمود؛ و از طرفی دیگر، داشتن خویشاوندان، دوستان و آشنایان در کشور مقصد، مهاجرت را آسان‌تر خواهد ساخت (راینر و سیدلر،^۸ ۲۰۰۹). داشتن ارتباطات بین‌المللی با اتباع کشور مقصد یا دیاسپورای ایرانی مقیم مقصد بر تصمیم مهاجران در انتخاب کشور مقصد مؤثرند (داستمن و گلitz،^۹ ۲۰۰۵) و علاوه بر تأمین

-
1. Macro-Level
 2. Mytna Kurekova
 3. Hicks
 4. Micro-Level
 5. Todaro
 6. Network Theory of Migration
 7. Transnational Migration Theory
 8. Rainer & Siedler
 9. Dustmann & Glitz

بالقوة بعد ارتباطی بهزیستی در کشور مقصد، منجر به کاهش ریسک و هزینه مهاجرت نیز می‌شود (هیواتاری^۱، ۲۰۱۶). با این حال، نفی دسترسی به چنین شبکه‌های اجتماعی^۲ ترامللی (میان‌ملت‌ها) برای مهاجران و خانواده‌های آنها منجر به عدم دسترسی آنها به بهزیستی روان‌شناختی و آسیب‌های روحی و روانی می‌گردد (تئو^۳، ۲۰۱۴). همچنین، توسعه مهارت‌های زبانی و ارتباطات اجتماعی پس از ورود به کشور میزبان منجر به تسهیل ادغام اجتماعی و اقتصادی می‌گردد، و از طرفی دیگر، فقدان یا ضعف در آنها مانع ادغام خواهد شد (برل و همکاران^۴، ۲۰۲۰). روابط اجتماعی برای مهاجران به علت ارتباط با افراد و اجتماعات هر دو کشور مبدأ و میزبان از عاملی محلی و ملی به یک عامل ترامللی^۵ بدل می‌شود و به این وسیله بهزیستی کلان پسا‌هجرت را دستخوش تغییر می‌کند.

پیشینه تحقیق

تحقیقات اندکی در خصوص رابطه بهزیستی کلی و یا ابعاد آن با مهاجرت در دسترس می‌باشد. علاوه بر آن، به دلیل جدید بودن چارچوب نظری پژوهش حاضر در خصوص بهزیستی، و تعدد نظریه‌ها در پژوهش‌های پیشین، یافتن مطالعات تجربی با ساختاری همسان به منظور مقایسه دقیق یافته‌ها امکان‌پذیر نمی‌باشد. همچنین هیچ تحقیق عملی یافت نگردید که در آن به بررسی متغیرهایی نظیر همه متغیرهای تحقیق حاضر و روابط میان آنها پرداخته شده باشد. لذا در این بخش، اختصاراً به مرور تحقیقات مرتبط با رابطه‌های بین متغیرهایی با قرابت ساختاری به متغیرهای تحقیق حاضر می‌پردازیم.

یافته‌های عملی در خصوص رابطه بین ابعاد بهزیستی و شادکامی با تمایل به مهاجرت، در بسترهای اجتماعی و جغرافیایی مختلف، متفاوت و گاهی متناقض بوده است (سیمپسون^۶، ۲۰۱۳). به عنوان مثال، کای و همکارانش^۷ (۲۰۱۴) با مطالعه بهزیستی ذهنی و تمایل به مهاجرت در میان ۴۳۲ هزار نفر از ۱۵۱ کشور جهان، با استفاده از داده‌های نظرسنجی جهانی گالوپ^۸،

1. Hiwatari
2. Social Network
3. Teo
4. Brell et al.
5. Transnational
6. Simpson
7. Cai et al.
8. Gallup World Poll

نتیجه‌گیری می‌نمایند که رابطه منفی و معناداری بین بهزیستی ذهنی و مهاجرت خارجی وجود دارد؛ یعنی افرادی که دارای بهزیستی ذهنی بالاتری هستند تمایل کمتری به مهاجرت خارجی دارند. در تحقیق مشابه دیگری، چیندارکار^۱ (۲۰۱۲) با مطالعه داده‌های پیمایشی از ۸۰۲۷۱ نفر از مقیمان ۱۸ کشور آمریکای لاتین گزارش می‌کند که رضایت از زندگی (به‌عنوان یکی از ابعاد بهزیستی ذهنی) با قصد مهاجرت آمریکایی‌های لاتین رابطه معکوس و معناداری دارد. گراهام و مارکوویتز^۲ (۲۰۱۱) نیز با مطالعه آمریکایی‌های لاتین، گزارش می‌کنند کسانی که تمایل به مهاجرت دارند، در مقایسه با سطح درآمدشان، میزان شادکامی کمتری نشان می‌دهند. آن‌ها نتیجه می‌گیرند که بدکامی^۳ احتمالاً محرک مهاجرت است. تحقیق مرتبط دیگری که اوترچشنکو و پوپووا^۴ (۲۰۱۴) روی افراد ساکن در اروپای مرکزی، شرقی و یا غربی با استفاده از داده‌های پیمایش یوروبارومتر^۵ انجام داده‌اند، نشان می‌دهد قصد مهاجرت برون‌مرزی و درون‌مرزی در میان افرادی که رضایت کمتری به زندگی دارند بیشتر است.

برخی مطالعات در این خصوص، وجود رابطه زانوشکل (U) بین بهزیستی و تمایل به مهاجرت را گزارش نموده‌اند. به‌عنوان مثال، پولگرین و سیمپسون^۶ (۲۰۱۱) در مطالعه خود، با استفاده از داده‌های شاخص شادکامی ۸۴ کشور دنیا، که بین سال‌های ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۴ توسط «پیمایش ارزش‌های جهانی»^۷ و داده‌های مهاجرت به خارج که توسط «سازمان همکاری و توسعه اقتصادی»^۸ گردآوری شده، یک رابطه زانوشکل بین مهاجرت و سطح شادکامی کشورها گزارش می‌نمایند. بر اساس مطالعه آن‌ها، رابطه بین مهاجرت به خارج و شادکامی در کشورهای نسبتاً ناشاد معکوس می‌باشد؛ درحالی‌که، همین رابطه در کشورهای نسبتاً شاد مستقیم می‌باشد. همچنین ایولوز^۹ (۲۰۱۵) با بررسی داده‌های پیمایشی مربوط به ۳۵ کشور اروپایی و آسیای میانه درمی‌یابد افرادی که بیشترین و یا کمترین میزان رضایت از زندگی را دارند، بیشترین تمایل را نیز به مهاجرت نشان می‌دهند. به‌عبارتی دیگر، تمایل به مهاجرت در بین افرادی که بالاترین و پایین‌ترین سطح رفاه ذهنی را دارند از صاحبان رفاه ذهنی متوسط بیشتر است.

1. Chindarkar
2. Graham & Markowitz
3. Unhappiness
4. Otrachshenko & Popova
5. Eurobarometer Survey
6. Polgreen & Simpson
7. World Values Survey
8. Organization for Economic Cooperation and Development
9. Ivlevs

در برخی مطالعات پیشین، به بررسی رابطه بین مهاجرت یا تمایل به مهاجرت از ایران با سرمایه اجتماعی، تعلق به خانواده یا جامعه و یا با کیفیت روابط افراد با اطرافیان خود نظیر خانواده، دوستان و اجتماع پرداخته شده است که می‌توانند با رابطه بین تمایل به مهاجرت و بُعد روابط اجتماعی در این پژوهش قابل قیاس باشند. زیرا بُعد روابط اجتماعی در بهزیستی که یکی از متغیرهای تحقیق حاضر است از لحاظ مفهومی با ساختارهای فوق‌الذکر قرابت دارند. برای نمونه، صادقی و همکارانش (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر تمایل به مهاجرت از ایران»، با استفاده از تحلیل ثانویه داده‌های مربوط به ۱۴۰۳۵ نفر از ۳۱ استان کشور با سنین ۱۸ سال و بالاتر، به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی، ابعاد و سطوح آن با تمایل ایرانی‌ها به مهاجرت به خارج از کشور پرداخته‌اند. طبق نتایج تحقیق، سرمایه اجتماعی تأثیر منفی و قوی بر میزان تمایل به مهاجرت از ایران داشته است. به این معنی که هرچه سرمایه اجتماعی فرد پایین‌تر، احتمال تمایل او به مهاجرت از کشور بالاتر بوده است.

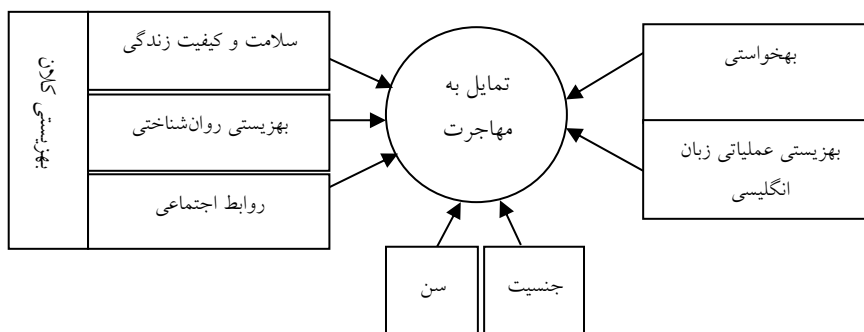
در تحقیق مشابه دیگری، صدرا (۱۳۹۰) با مطالعه داده‌های جمع‌آوری شده از ۳۸۴ دانشجوی دانشگاه زنجان، به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی بر گرایش آن‌ها به مهاجرت پرداخته است. طبق نتایج، سرمایه اجتماعی رابطه منفی و معناداری با گرایش دانشجویان به مهاجرت از ایران داشته است. در پژوهشی دیگر، فلاحی (۱۳۹۴) با مطالعه ۲۸۶ دانش‌آموز برتر المپیادی به بررسی رابطه احساس تعلق به خانواده، هویت ملی و پایبندی به ارزش‌ها با میزان گرایش آنان به مهاجرت پرداخته است. یافته‌ها حاکی از آن است که دانش‌آموزان المپیادی که حس تعلق خانوادگی، هویت ملی و پایبندی به ارزش‌ها در آن‌ها قوی‌تر بوده تمایل کمتری به مهاجرت داشته‌اند.

یافته‌های مطالعات فوق نشان می‌دهند سرمایه اجتماعی بالاتر و حس تعلق قوی‌تر به خانواده، جامعه و باورهای دینی و ملی می‌توانند به‌عنوان عوامل مداخله‌گر، نقش جذب را از دیدگاه نظریه دفع و جذب ایفاء نمایند و با بالاتر بردن هزینه اجتماعی و عاطفی مهاجرت مانعی برای تصمیم‌گیری و اقدام به مهاجرت شوند. اما این یافته‌ها با نتایج پژوهش عباس‌پور و صباغ (۱۳۹۸)، که نشان می‌دهند بین روابط اجتماعی و انسجام ملی در بزرگسالان ۲۰ تا ۶۴ ساله شهر خوی و تمایل آن‌ها به مهاجرت درون‌مرزی از مبدأ شهر خوی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد، مغایر هستند. دلیل این مغایرت می‌تواند ناشی از تفاوت عوامل مؤثر بر مهاجرت برون‌مرزی با مهاجرت درون‌مرزی باشد.

کاربرد موتیوونیا در تبیین مهاجرت

گاهی هدف از پژوهش یافتن مدلی است که فراگیر بوده یعنی تمام عوامل و مباحث مربوطه را در خود جای دهد و گاهی تنها به دنبال کشف و بررسی بخشی از زوایا و جزئیات یک مفهوم یا ساختار می‌باشیم. تحقیق حاضر از نوع اول بوده و سعی دارد از منظر موتیوونیا، به‌عنوان یک چارچوب کلی و به لحاظ نظری، عوامل مهاجرت را توضیح دهد. با این که صاحب‌نظران دلایل متعددی برای مهاجرت در قالب نظریه‌های متفاوتی بیان می‌کنند که طیف گسترده‌ای از مسائل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، زیست‌محیطی و عوامل جمعیتی را در بر می‌گیرند، اما هنگامی که از چارچوب موتیوونیا به همه این مسائل نگاه می‌کنیم، متوجه خواهیم شد که همه این دلایل تحت عاملی بالاتر قرار می‌گیرند و آن چیزی نیست جزء بهخواستی که عبارتست از تمایل به ارتقاء بهزیستی کنونی و رسیدن به بهزیستی مطلوب‌تر یا رهایی از بدزیستی کنونی و جلوگیری از تجربه بدزیستی احتمالی آتی.

با در نظر گرفتن همپوشانی نظری و محتوایی علل مهاجرت با مفاهیم و ابعاد بهزیستی می‌توان نتیجه گرفت هدف اصلی مهاجران یا متمایلین به مهاجرت در واقع تلاش برای ارتقاء بهزیستی خود در ابعاد کلان آن می‌باشد. لذا انتظار می‌رود رویکرد موتیوونیا و ابعاد مصرحه آن از روایی لازم برای تبیین واریانس در تمایل افراد به مهاجرت برخوردار باشد. از این رو، با توجه به افزایش میل به مهاجرت در بین ایرانیان در سال‌های اخیر و با عنایت به اینکه مهاجرت یکی از دشوارترین تصمیمات و اقدامات در طول زندگی مهاجران می‌باشد، در تحقیق حاضر تلاش گردید، ضمن ارائه ارتباط نظری انگیزش‌های مهاجرت با بهزیستی، از موتیوونیا برای بررسی تمایل زبان‌آموزان به مهاجرت و تأثیر ابعاد بهزیستی خرد و کلان بر تمایل زبان‌آموزان به مهاجرت از کشور استفاده شود.



شکل ۱: مدل نظری تحقیق

فرضیه‌های تحقیق

۱. بین تمایل زبان‌آموزان به مهاجرت از یک طرف، و بهبودی عملیاتی زبان انگلیسی، بهبودی کلان، سه بُعد بهبودی کلان، سن و جنسیت آن‌ها از طرفی دیگر، همبستگی معناداری وجود دارد.
۲. بهبودی عملیاتی زبان انگلیسی به‌طور معناداری تمایل زبان‌آموزان به مهاجرت را تبیین می‌کند.
۳. بهبودی کلان (تمایل به ارتقاء بهبودی و کیفیت زندگی در آینده) به‌طور معناداری تمایل زبان‌آموزان به مهاجرت را تبیین می‌کند.
۴. روابط اجتماعی (به‌عنوان یکی از ابعاد بهبودی کلان) به‌طور معناداری تمایل زبان‌آموزان به مهاجرت را تبیین می‌کند.
۵. بهبودی روان‌شناختی (به‌عنوان یکی از ابعاد بهبودی کلان) به‌طور معناداری تمایل زبان‌آموزان به مهاجرت را تبیین می‌کند.
۶. سلامت و کیفیت زندگی (به‌عنوان یکی از ابعاد بهبودی کلان) به‌طور معناداری تمایل زبان‌آموزان به مهاجرت را تبیین می‌کند.
۷. جنسیت زبان‌آموزان به‌طور معناداری تمایل آن‌ها به مهاجرت را تبیین می‌کند.
۸. سن زبان‌آموزان به‌طور معناداری تمایل آن‌ها به مهاجرت را تبیین می‌کند.

روش تحقیق و داده‌ها

مطالعه حاضر از نظر روش و هدف جزء تحقیقات کمی پیمایشی محسوب می‌گردد. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌ای متشکل از ۳۵ گویه لیکرت‌گونه ۵ سطحی، به همراه تعدادی گویه جمعیت‌شناختی، به روش میدانی، در پاییز ۱۳۹۸، از زبان‌آموزان مؤسسات زبان که در مقطع متوسطه دوم مشغول به تحصیل بودند و از دانشجویان کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی شاغل به تحصیل در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر جمع‌آوری شد. در مراکز آموزشی ایران دو نوع کلاس‌های مؤثر در امر آموزش زبان انگلیسی وجود دارد: الف) مؤسسات خصوصی زبان و ب) رشته‌های دانشگاهی آموزش زبان انگلیسی. تعداد کثیری از دانشجویان زبان انگلیسی قبل از ورود به دانشگاه و یا توأم با تحصیل در دانشگاه در دوره‌های زبان انگلیسی در مؤسسات خصوصی نیز شرکت می‌نمایند. لذا با توجه به اینکه در مؤسسات خصوصی، زبان‌آموزان بزرگسال (بالای ۱۸ سال) عموماً با زبان‌آموزان دبیرستانی در یک کلاس ادغام می‌شوند و نیز بر اساس تجارب شخصی نگارندگان که حاکی از آن است که تمایل زبان‌آموزان به مهاجرت از ایران در هر دو گروه نوجوانان دبیرستانی (غالباً ۱۵ الی ۱۸ سال) و دانشجویان مشهود بوده است، بنابراین، ضمن تعیین ۱۵ سال به عنوان حداقل سن برای پاسخ‌دهندگان، زبان‌آموزان شاغل به تحصیل در دوره دوم متوسطه و دانشجویان زبان انگلیسی مقطع کارشناسی به صورت یکپارچه به عنوان جامعه تحقیق در نظر گرفته شد.

به موجب اینکه کلاس‌های مؤسسات زبان در جنوب غرب تهران عموماً با تعداد کمتر از ۱۰ نفر تشکیل می‌شوند و تقریباً زبان‌آموزان هر کلاس در سطوح نزدیک به هم هستند، داشتن نمونه‌ای شامل همه سطوح مستلزم مراجعه به کلاس‌های بسیاری می‌بود. از طرفی دیگر، گردآوری داده‌های این مقاله، به عنوان بخشی از داده‌های گسترده‌تر رساله دکتری، یک جلسه درسی کامل را تحت الشعاع قرار می‌داد و به علت تکثر تعطیلی‌های پیش‌بینی نشده در ترم اول سال تحصیلی ۹۸-۹۹، جمع‌آوری داده‌ها از مؤسسات زبان مخالفت مدیران مؤسسات را در پی داشت. همچنین کثرت تعطیلی‌ها مانع نمونه‌گیری تصادفی از جامعه آماری شد. بنابراین، به دلیل دسترسی به تعدادی از مراکز آموزشی، با استفاده از نمونه‌گیری در دسترس، داده‌ها از دانش‌آموزان سه دبیرستان دخترانه و سه دبیرستان پسرانه واقع در شهرستان بهارستان و دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی اسلامشهر جمع‌آوری شد. دانشگاه آزاد اسلامشهر نزدیکترین و مهمترین موسسه آموزش

عالی در مجاورت شهرستان بهارستان محسوب می‌شود. با افزودن دو گویه به پرسشنامه مبنی بر اعلام اشتغال به آموزش زبان در مؤسسات خصوصی، دانش‌آموزان به دو گروه مشغول و غیرمشغول به آموزش انگلیسی در مؤسسات خصوصی تفکیک شدند و صرفاً داده‌های ۱۱۰ دانش‌آموزی که علاوه بر کلاس‌های زبان مدرسه در مؤسسات زبان مشغول به یادگیری زبان انگلیسی بودند و ۸۳ دانشجویی که در رشته مترجمی زبان انگلیسی مشغول به تحصیل بودند مورد تحلیل قرار گرفت.

همان‌طور که اشاره شد، محل تحصیل مشارکت‌کنندگان تحقیق در شهرستان‌های بهارستان و اسلامشهر در جنوب غرب استان تهران واقع می‌باشد. منطقه جنوب غرب استان تهران یک منطقه مهاجرپذیر بوده و دارای ترکیب جمعیتی مشابهی می‌باشند؛ به طوری که بر اساس داده‌های سرشماری سال ۱۳۹۵ از کل جمعیت ۱۰۸۵۰۰۰ نفری ساکن در دو شهرستان اسلامشهر و بهارستان (حدود ۳۲۵ هزار خانوار) جمعاً ۷۰۳۹۷ نفر در پنج سال منتهی به ۱۳۹۵ از استان‌ها و نواحی مختلف ایران به این شهرستان‌ها مهاجرت کرده‌اند که تداوم روند مهاجرپذیری مشابهی در سرشماری‌های قبلی بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹). بنابراین، اکثریت جمعیت این نواحی را مهاجران تشکیل می‌دهند و ساکنان بومی در اقلیت قرار دارند. به‌عنوان مثال، به‌استناد دادگستری استان تهران (۱۳۹۹) تنها ۱۰ درصد جمعیت شهرستان بهارستان را بومیان تشکیل می‌دهند. این امر باعث شده است ترکیب جمعیتی در این نواحی ملغمه‌ای از قومیت‌ها، ادیان و مذاهب، زبان، فرهنگ، و سبک‌های متفاوت زندگی باشد.

در این پژوهش متغیر وابسته «تمایل به مهاجرت» می‌باشد و متغیرهای مستقل «بهخواستی»، «بهزیستی عملیاتی زبان انگلیسی» و «سه بعد بهزیستی کلان» یعنی الف) سلامت و کیفیت زندگی، ب) بهزیستی روان‌شناختی و ج) روابط اجتماعی می‌باشند. در واقع، شاخص‌های مربوط به تمایل به مهاجرت، بهزیستی عملیاتی زبان انگلیسی و بهخواستی از پرسشنامه لیکرت گونه حسین‌پور^۱ (۲۰۲۱) و شاخص‌های بهزیستی کلان برگرفته از پرسشنامه لیکرت گونه پونتین و همکاران^۲ (۲۰۱۳) می‌باشند. سؤالات مربوط به اطلاعات جمعیت‌شناختی من جمله سن و جنسیت پاسخگویان به‌عنوان بخش آخر به پرسش‌نامه افزوده شد.

-
1. Huseynpur
 2. Pontin et al.

جهت تعیین ثبات درونی شاخص‌ها از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که نشان داد همه متغیرهای مستقل و وابسته از پایایی قابل قبول یعنی آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷۷ برخوردار بودند. از تحلیل عاملی اکتشافی برای بررسی روایی سازه‌ای شاخص‌ها استفاده شد که نتیجتاً عامل‌ها منطبق با ساختارهای مورد انتظار استخراج شدند. برای بررسی مناسب بودن حجم نمونه و درست بودن تفکیک عامل‌ها از آزمون KMO و کرویت بارتلت و برای تعیین توان تبیین واریانس متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل از تحلیل مدل رگرسیونی چندگانه خطی استفاده شد. از نسخه ۲۶ نرم‌افزار آماری SPSS برای محاسبات آماری تحقیق استفاده شد و سطح معناداری تمامی آزمون‌ها کمتر از ۵ درصد تعیین گردید ($p < ۰/۰۵$). اطلاعات تکمیلی درخصوص پایایی و روایی شاخص‌ها در بخش یافته‌ها ارائه شده است.

جدول ۱: ابعاد و گویه‌های پژوهش

بار عاملی	نام ابعاد و گویه‌ها
بهزیستی عملیاتی زبان انگلیسی ($\alpha = ۰/۹۳$)	
۰/۸۰۴	چقدر آموزش زبان انگلیسی به شما احساس خوشحالی می‌دهد؟
۰/۷۶۱	چقدر یادگیری زبان انگلیسی در شادمانی شما در زندگی تأثیر گذاشته است؟
۰/۸۹۳	چقدر بودن در کلاس زبان انگلیسی برای شما لذت بخش است؟
۰/۶۶۳	چقدر از ارتباط و رابطه دوستی خود با هم‌کلاسی‌ها در کلاس‌های زبان خوشنود هستید؟
۰/۷۴۰	چقدر در کلاس‌های زبان انگلیسی به شما خوش می‌گذرد؟
۰/۸۲۰	چقدر در روزهایی که به کلاس زبان می‌روید خوشحال‌تر از دیگر روزها هستید؟
۰/۸۴۲	چقدر احساس می‌کنید در ساعاتی که در کلاس زبان انگلیسی هستید مشکلات زندگیتان را فراموش می‌کنید؟
۰/۵۰۵	چقدر احساس می‌کنید که یادگیری زبان انگلیسی باعث افزایش رضایتمندی شما از زندگیتان می‌شود؟
بهخواستی ($\alpha = ۰/۸۲$)	
۰/۷۶۵	یادگیری زبان انگلیسی برای من مهم است زیرا در آینده به کمک آن می‌توانم شغل و درآمد مناسبی به دست بیاورم.
۰/۶۵۰	یادگیری انگلیسی برای من مهم است زیرا پیشرفت و ترقی در آینده نیازمند مهارت بالا در این زبان است.
۰/۷۱۴	یادگیری زبان انگلیسی برای من مهم است زیرا برای ادامه تحصیلات به آن نیاز دارم.
۰/۴۷۷	باید زبان انگلیسی یاد بگیرم در غیر اینصورت نخواهم توانست در شغل آینده‌ام موفق باشم.
تمایل به مهاجرت ($\alpha = ۰/۸۶$)	

بار عاملی	نام ابعاد و گویه‌ها
۰/۶۱۴	روزی را تصور می‌کنم که در خارج از کشور زندگی می‌کنم و به زبان انگلیسی بحث، و نظراتم را به راحتی و درستی بیان می‌کنم.
۰/۶۴۱	روزی را تصور می‌کنم که در دانشگاهی خارجی که دروس در آنجا به انگلیسی تدریس می‌شود، تحصیل می‌کنم.
۰/۹۹۸	یادگیری زبان انگلیسی برای من مهم است؛ زیرا قصد دارم در خارج از کشور ادامه تحصیل دهم.
۰/۶۰۷	تصور می‌کنم که خارج از کشور زندگی می‌کنم و از انگلیسی برای برقراری ارتباط با مردم آنجا استفاده می‌کنم.
روابط اجتماعی ($\alpha = ۰/۷۷$)	
۰/۶۲۴	آیا از روابط دوستانه و ارتباط خود با دیگران خوشنود هستید؟
۰/۸۷۱	آیا از شیوه برقراری رابطه و ایجاد ارتباط خود با دیگران احساس راحتی / رضایت می‌کنید؟
۰/۳۵۰	آیا قادر به درخواست کمک از دیگران برای حل مشکل خود هستید؟
سلامت و کیفیت زندگی ($\alpha = ۰/۸۰$)	
۰/۶۸۹	آیا از سلامتی جسمی خود خوشنود هستید/ رضایت دارید؟
۰/۴۷۳	آیا احساس افسردگی و ناراحتی می‌کنید؟
۰/۵۲۱	آیا از زندگی شخصی و خانوادگی خود رضایت دارید؟
۰/۵۰۹	آیا از داشتن پول کافی برای تأمین نیازهای اولیه زندگی تان خوشنود هستید؟
۰/۵۵۲	آیا از فرصت‌های خود برای تفریح و ورزش خوشنود هستید؟
۰/۴۷۴	آیا از دسترسی خود به خدمات درمانی و پزشکی خوشنود هستید؟
۰/۵۲۸	آیا از توانایی‌های خود برای کار کردن خوشنود هستید؟
بهبودی روان‌شناختی ($\alpha = ۰/۸۸$)	
۰/۵۶۴	آیا احساس می‌کنید که قادر به لذت بردن از زندگی هستید؟
۰/۴۲۹	آیا احساس می‌کنید که در زندگی تان دارای هدف هستید؟
۰/۵۹۷	آیا احساس می‌کنید که درباره آینده خوش بین هستید؟
۰/۵۳۰	آیا احساس می‌کنید که کنترل زندگی تان را در دست دارید؟
۰/۵۳۷	آیا به عنوان یک شخص از خودتان احساس خوشنودی می‌کنید؟
۰/۷۴۶	آیا احساس می‌کنید که قادر هستید آنگونه که می‌خواهید زندگی کنید؟
۰/۷۸۵	آیا احساس می‌کنید که قادر هستید آنچه را که خودتان انتخاب کرده‌اید، انجام دهید؟
۰/۷۰۷	آیا احساس می‌کنید می‌توانید به عنوان یک شخص رشد کرده و پیشرفت کنید؟
۰/۴۵۹	آیا از خود و موفقیت‌های خودتان خوشنود هستید؟

یافته‌ها

تعداد کل پاسخگویان به پرسشنامه‌ها جمعاً ۱۹۳ نفر بوده است که ۵۷ درصد آن‌ها زبان‌آموزان مقطع متوسطه دوم در شهرستان بهارستان بودند که علاوه بر آموزش زبان انگلیسی در مدرسه در کلاس‌های زبان انگلیسی مؤسسات خصوصی زبان نیز شرکت می‌کردند و ۴۳ درصد دیگر دانشجویان رشته مترجمی زبان انگلیسی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر بودند. حدود ۴۵ درصد شرکت‌کنندگان را پسران و ۵۵ درصد را دختران تشکیل می‌داد که در بازه سنی ۱۵ تا ۳۸ سال قرار داشتند. حدوداً ۹۷ درصد پاسخگویان در رده سنی ۱۵ تا ۲۴ سال قرار داشتند که طبق تعریف سازمان بهداشت جهانی^۱ (۲۰۰۶) گروه سنی جوانان^۲ محسوب می‌شود. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخگویان در بخش آخر پرسشنامه، بر اساس توزیع فراوانی‌ها در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: فراوانی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخگویان

نام متغیر	ویژگی‌های جمعیتی	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	پسر	۸۷	۴۵/۱
	دختر	۱۰۶	۵۴/۹
	جمع	۱۹۳	۱۰۰/۰
رده سنی	۱۵ تا ۱۷ سال	۸۹	۴۶/۱
	۱۸ تا ۲۴ سال	۹۸	۵۰/۸
	۲۵ تا ۳۸ سال	۶	۳/۱
	جمع	۱۹۳	۱۰۰/۰
مقطع تحصیلی	دانش‌آموزان مقطع دبیرستان	۱۱۰	۵۷/۰
	دانشجویان مقطع کارشناسی	۸۳	۴۳/۰
	جمع	۱۹۳	۱۰۰/۰

1. World Health Organization
2. Youth

برای بررسی روایی سازه‌ای^۱ شاخص‌های مدنظر (متغیرهای مهاجرت، بهخواستی، بهزیستی عملیاتی زبان انگلیسی، سلامت و کیفیت زندگی، بهزیستی روان‌شناختی و روابط اجتماعی) و بررسی تطابق آن‌ها با عامل‌های استخراج شده از روش تحلیل عاملی اکتشافی با روش حداکثر درست‌نمایی^۲ و از چرخش محورها به شیوه پرومکس به منظور دستیابی به عامل‌های خالص بهره‌گیری شد. شاخص KMO برای تحلیل عاملی مقدار ۰/۸۹۰ و آزمون کرویت بارتلت مقدار معنادار ($p < ۰/۰۰۱$) را نشان دادند. مقدار شاخص KMO بیش‌تر از ۰/۶ مؤید کفایت تعداد پاسخگویان پرسشنامه برای تحلیل عاملی و مقدار معنادار (sig) آزمون بارتلت، کوچک‌تر از ۵ درصد مؤید مناسب بودن مدل عاملی برای تحلیل عاملی و شناسایی ساختارهای زمینه‌ی شاخص‌ها می‌باشد (تاباچنیک و فیدل^۳، ۲۰۱۳). نتایج تحلیل عاملی بیانگر وجود متغیرهای مدنظر و منطبق با شاخص‌های طراحی شده بود. از روش آلفای کرونباخ به منظور تعیین پایایی شاخص‌ها استفاده شده است که نتایج نشان دادند همه ابعاد از پایایی قابل قبولی برخوردارند و حداقل میزان پایایی شاخص‌های پرسشنامه ۰/۷۷ می‌باشد. گویه‌های هر عامل و بار عاملی آن‌ها و ضرایب کرونباخ آلفای شاخص‌ها در جدول ۱ ارائه شده است.

از آزمون ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی فرضیه اول یعنی همبستگی بین ابعاد بهزیستی کلان، بهزیستی عملیاتی زبان انگلیسی، بهخواستی، سن و جنسیت زبان‌آموزان با تمایل آن‌ها به مهاجرت استفاده شد. نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون (جدول شماره ۳) روشن نمود تمایل زبان‌آموزان به مهاجرت، همبستگی مستقیم، بزرگ^۴ و معناداری با دو متغیر بهخواستی ($r=۰/۵۱۷, p<۰/۰۰۱$) و بهزیستی عملیاتی زبان انگلیسی ($r=۰/۴۹۱, p<۰/۰۰۱$) و همبستگی مستقیم، ضعیف و معناداری با متغیر جنسیت شرکت‌کنندگان دارد ($r=۰/۱۷, p<۰/۰۵$). این در حالی است که، تمایل زبان‌آموزان به مهاجرت نتوانست همبستگی معناداری با هیچ یک از ابعاد بهزیستی کلان و سن شرکت‌کنندگان نشان دهد ($p>۰/۰۵$).

1. Construct Validity
2. Maximum Likelihood
3. Tabachnick & Fidell

۴. تفسیر اندازه‌های تأثیر بنا به پیشنهاد مک‌گراس و میر (McGrath & Meyer, 2006)، بر اساس تطابق ضریب r با ضریب d (کوهن) صورت گرفت، که بر این اساس ضریب‌های r بین ۰/۱۰ و ۰/۲۳۹ کوچک، ضریب‌های بین ۰/۲۴۰ و ۰/۳۶۹ متوسط و ضریب‌های ۰/۳۷۰ و بالاتر، بزرگ تفسیر می‌گردند.

جدول ۳: ضرایب آزمون همبستگی پیرسون بین تمایل به مهاجرت و متغیرهای مستقل (فرضیه اول)

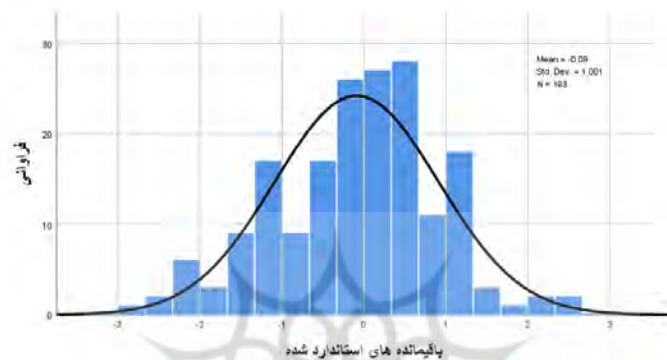
سن	جنسیت	بهزیستی عملیاتی		بهزیستی بهخواستی		روابط سلامت و کیفیت زندگی	
		زبان انگلیسی	روانشناختی	اجتماعی	روانشناختی	روانشناختی	اجتماعی
۰/۱۷۰*	۰/۰۳۳	**۰/۵۱۷	**۰/۴۹۱	۰/۱۱۴	-۰/۰۷۳	۰/۰۱۳	ضریب همبستگی
۰/۰۱۸	۰/۶۵۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۲۴	۰/۳۲۵	۰/۸۵۹	سطح معنی‌داری

توجه: ** همبستگی در سطح کمتر از ۱ درصد و * همبستگی در سطح کمتر از ۵ درصد معنی‌دار می‌باشد.

برای آزمون فرضیه‌های دوم تا هشتم که عبارت است از بررسی نقش ابعاد بهزیستی کلان و شاخص‌های بهخواستی و بهزیستی عملیاتی زبان انگلیسی، سن و جنسیت روی تمایل زبان‌آموزان به مهاجرت از تحلیل مدل رگرسیونی چندگانه خطی استاندارد^۱ (روش همزمان^۲) استفاده شد. تجزیه و تحلیل مقدماتی نشان داد هیچ‌یک از مفروضات یعنی نرمال بودن،^۳ خطی بودن،^۴ هماهنگی متغیرها،^۵ هم‌خطی چندگانه^۶ و یکتایی^۷ در مدل‌ها نقض نشده بود. به‌عنوان مثال، شکل هیستوگرام مقادیر باقیمانده (شکل ۲) توزیعی نرمال را نشان می‌دهد. سه مفروض اول ویژگی مطلوب اما دو مفروض آخر ویژگی نامطلوب محسوب می‌شوند. با بررسی‌های انجام‌یافته مشخص شد هم‌خطی چندگانه که ویژگی نامطلوب برای مدل رگرسیونی تلقی می‌شود بین متغیرهای مستقل وجود نداشت، زیرا مطابق انتظار، تعدادی از متغیرهای مستقل دارای همبستگی معنادار (ترجیحاً با ضرایب بالاتر از ۰/۳۰) با متغیر وابسته نشان دادند و میان متغیرهای مستقل همبستگی بسیار قوی (مساوی با ۰/۹ و بالاتر) وجود نداشت. برای بررسی چند خطی بین متغیرهای مستقل از دو شاخص تحمل^۸ و عامل تورم واریانس^۹ نیز استفاده شد که نشان دادند رابطه هم‌خطی چندگانه وجود نداشت زیرا مقادیر شاخص تحمل برای متغیرهای مستقل بین بازه ۰/۴۸۷ تا ۰/۸۷۰ و مقادیر عامل تورم واریانس نیز در بازه ۱/۱۴۰ تا ۲/۰۵۲ بودند. شاخص

1. Standard Multiple Linear Regression
2. Enter
3. Normality
4. Linearity
5. Homoscedasticity
6. Multicollinearity
7. Singularity
8. Tolerance
9. Variance Inflation Factor: VIF

تحمل پایین‌تر از ۰/۱ و عامل تورم واریانس بالاتر از ۱۰ نشان دهنده وجود هم‌خطی چندگانه و نقض پیش‌فرض مدل رگرسیونی چندگانه خطی است که در مدل ارائه شده پژوهش حاضر مشاهده نشد. یکتایی نیز بین متغیرها وجود نداشت زیرا در مدل پیش‌نهادی هیچ متغیری برگرفته از متغیر دیگری نبوده است و عدم وجود همبستگی بسیار قوی بین متغیرها مؤید آن است.



شکل ۲: هیستوگرام مقادیر باقیمانده

با ملاحظه مقدار ضریب R^2 تعدیلی (در جدول ۳) می‌توان نتیجه گرفت مدل ارائه شده، مشتمل بر سه بُعد بهزیستی کلان (یعنی الف) سلامت و کیفیت زندگی، ب) بهزیستی روان‌شناختی و ج) روابط اجتماعی، به همراه دو شاخص بهخواستی و بهزیستی عملیاتی زبان انگلیسی و دو متغیر جمعیت‌شناختی سن و جنسیت به‌طور معنادار ۳۷/۲ درصد از واریانس متغیر وابسته یعنی تمایل زبان‌آموزان به مهاجرت را توضیح می‌دهند. به زعم کوهن^۱ و همکارانش (۲۰۰۳) اندازه تأثیر ضریب R^2 تعدیلی^۲ با مقدارهای ۰/۰۲، ۰/۱۳ و ۰/۲۶ به ترتیب ضعیف، متوسط و بزرگ تفسیر می‌شوند. بنابراین، با توجه به اینکه ضریب R^2 تعدیلی مدل ارائه شده در پژوهش حاضر فراتر از مقدار ۰/۲۶ پیشنهادی توسط کوهن و همکارانش است، لذا اندازه تأثیر مدل، بزرگ تفسیر می‌شود. مقدار محاسبه شده آماره $F(7,185)$ و سطح معناداری آن که زیر یک درصد می‌باشد نشان می‌دهند که برآیند خطی متغیرهای مستقل به‌صورت معناداری قادر به تبیین تغییرات متغیر وابسته می‌باشد.^۳

1. Cohen
2. Adjusted R-Square or Population R-Square
3. $F(7,185) = 16.30, p < .001$

جدول ۴: نتایج مدل رگرسیونی چندگانه خطی استاندارد

مدل	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیلی	خطای استاندارد برآورد
۱	۰/۶۲۹	۰/۳۹۶	۰/۳۷۲	۰/۹۸۸

متغیرهای پیش‌بین: سلامت و کیفیت زندگی، بهزیستی روان‌شناختی، روابط اجتماعی، بهخواستی و بهزیستی عملیاتی زبان انگلیسی

برای مقایسه اندازه تأثیرات متغیرهای مستقل روی واریانس متغیر وابسته در مدل رگرسیونی چندگانه خطی مقادیر ضرایب رگرسیونی بتا و سطح معناداری آزمون t برای هر کدام از متغیرهای مستقل را بررسی نمودیم. ضرایب بتا در واقع میانگین تغییر در انحراف معیار متغیر وابسته با تغییر یک واحد در انحراف معیار متغیر مستقل را نشان می‌دهد. با ملاحظه ضرایب بتا، سطح معناداری آماره t و ضریب همبستگی نیمه جزئی در جدول ۴ که به ترتیب نشان‌دهنده تأثیر کلی، سطح معناداری تأثیر و تأثیر اختصاصی متغیر مستقل بر وابسته می‌باشند، می‌توان نتیجه گرفت متغیر بهخواستی ($p < ۰/۰۰۱$) و بهزیستی عملیاتی زبان انگلیسی ($p < ۰/۰۰۱$) هر دو به طور معناداری و به مقداری برابر یعنی حدوداً ۳۷ درصد تأثیر کلی^۱ و به ترتیب ۱۰/۲ و ۸/۸ درصد تأثیر مستقیم اختصاصی^۲ روی متغیر وابسته داشته‌اند. از میان سه شاخص بهزیستی کلان، دو بُعد آن یعنی بهزیستی روان‌شناختی ($p < ۰/۰۰۵$) و روابط اجتماعی ($p < ۰/۰۰۵$) نشان دادند به طور معناداری روی تمایل زبان‌آموزان به مهاجرت مؤثرند. هرچند مقادیر ضرایب بتا و مجذور همبستگی نیمه جزئی بیان‌گر آن است که تأثیر کلی و اختصاصی روابط اجتماعی به ترتیب ۱۹/۷ و ۲/۸ درصد و در جهت معکوس ولی تأثیر کلی و اختصاصی بهزیستی روان‌شناختی به ترتیب ۱۵/۳ و ۱/۳ درصد و در جهت مستقیم بوده است. اما شاخص‌های سلامت و کیفیت زندگی ($p = ۰/۱۱۶$)، سن ($p = ۰/۸۲۱$) و جنسیت ($p = ۰/۶۰۴$) نتوانستند به طور معناداری نقش خود را روی متغیر وابسته (تمایل به مهاجرت) نشان دهند.

۱. محاسبه با ضرب مقدار بتا در عدد ۱۰۰: ($\beta * 100$)

۲. محاسبه با ضرب عدد ۱۰۰ بر مجذور ضریب همبستگی نیمه جزئی (Semi-Partial Correlation).
($sr^2 * 100$)

جدول ۵: ضرایب رگرسیونی چندگانه خطی استاندارد فرضیه دوم تا هشتم

متغیرهای پیش‌بین	ضریب رگرسیونی	انحراف استاندارد ضریب رگرسیونی	ضریب رگرسیونی استاندارد شده	آماره t	سطح معناداری	همبستگی شبه جزئی
مقدار ثابت	۱/۲۸۵	۰/۵۴۷		۲/۳۵۰	۰/۰۲۰	
سن	-۰/۰۰۲	۰/۰۱۰	-۰/۰۱۴	-۰/۲۲۶	۰/۸۲۱	-۰/۰۱۳
جنسیت	-۰/۰۸۳	۰/۱۶۰	-۰/۰۳۳	-۰/۵۱۹	۰/۶۰۴	-۰/۰۳۱
سلامت و کیفیت زندگی	۰/۲۲۶-	۰/۱۴۳	۰/۱۲۶-	-۱/۵۸۱	۰/۱۱۶	-۰/۰۹۳
روابط اجتماعی	۰/۲۸۱-	۰/۰۹۹	۰/۱۹۷-	-۲/۸۴۴	**۰/۰۰۵	-۰/۱۶۸
بهبودی روان‌شناختی	۰/۲۷۲	۰/۱۳۸	۰/۱۵۳	۲/۰۵۷	*۰/۰۴۱	۰/۱۱۶
بهبود عملیاتی	۰/۴۷۶	۰/۰۸۸	۰/۳۶۸	۵/۴۲۷	**۰/۰۰۰	۰/۳۲۰
زبان انگلیسی	۰/۵۲۸	۰/۱۰۴	۰/۳۶۷	۵/۰۶۵	**۰/۰۰۰	۰/۲۹۸

توجه: ** در سطح کمتر از ۱ درصد و * در سطح کمتر از ۵ درصد معنی‌دار می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

سرمایه انسانی و نیروی کار کارآمد یکی از ارکان مهم برای توسعه پایدار یک کشور محسوب می‌شود، که حکومت‌ها را ملزم به تربیت، حفظ و بهره‌گیری از این نیروها برای حرکت بخشیدن به ماشین رشد و توسعه ملی می‌نماید. با این حال، مهاجرت نیروی کار، به‌ویژه مهاجرت نخبگان، پدیده‌ای است که گریبان‌گیر کشورهای در حال توسعه نظیر ایران می‌باشد. ایران به شدت از فرار مغزها رنج می‌برد و ضروری است که علل و انگیزه‌های مهاجرت مورد بررسی قرار گیرد تا به سیاست‌گذاری برای توقف رشد فزاینده آن کمک نماید. انگیزش ساختاری چند بُعدی است که با بهزیستی و مفاهیم روان‌شناختی مثبت‌گرا هم‌پوشانی مفهومی و کاربردی دارد. لذا رویکرد موتیونیا که بر اساس ارتباط انگیزش و بهزیستی مفهوم‌بندی شده است به‌عنوان چارچوب نظری این پژوهش انتخاب گردید. چون مبادرت به آموزش کاربردی زبان یکی از اقدامات ضروری مهاجران است، بنابراین، فراگیران زبان انگلیسی به‌عنوان جامعه آماری تحقیق در نظر گرفته شد. به روش پیمایش، ۱۹۳ پاسخگو به پرسشنامه تحقیق حاضر، از میان فراگیران زبان انگلیسی در

مدارس متوسطه و دانشجویان دانشگاه‌های حومه جنوب غرب تهران انتخاب شدند تا در قالب چارچوب موتیوونیا تأثیر سه بُعد^۱ بهزیستی کلان کنونی، بهخواستی و بهزیستی عملیاتی زبان انگلیسی را بر تمایل زبان‌آموزان به مهاجرت مورد ارزیابی قرار دهیم. داده‌های گردآوری شده به کمک نسخه ۲۶ نرم‌افزار SPSS و تحلیل‌های مدل رگرسیونی چندگانه خطی و آزمون ضریب همبستگی پیرسون مورد تحلیل قرار گرفت.

نتایج تحلیل‌های مدل رگرسیونی چندگانه خطی استاندارد نشان داد مدل کلی که مشتمل بود بر سه بُعد بهزیستی کلان یعنی الف) سلامت و کیفیت زندگی، ب) بهزیستی روان‌شناختی و ج) روابط اجتماعی، به همراه دو شاخص الف) بهخواستی و ب) بهزیستی عملیاتی زبان انگلیسی، به طور معنادار و چشمگیری بر تمایل زبان‌آموزان به مهاجرت مؤثرند. بالاترین تأثیر مربوط به بهخواستی و بهزیستی عملیاتی زبان انگلیسی بود که هر دو نشان دادند به طور معناداری بر تمایل زبان‌آموزان به مهاجرت مؤثرند. این بخش از یافته‌ها نشان می‌دهد چارچوب موتیوونیا و ابعاد مختلف آن مدل قابل قبولی برای توضیح واریانس تمایل به مهاجرت در میان زبان‌آموزان را ارائه می‌نماید.

رابطه معنادار بهزیستی عملیاتی زبان انگلیسی با تمایل زبان‌آموزان به مهاجرت کاملاً قابل انتظار می‌باشد. زیرا آموزش زبان خارجه برای مهاجران احتمالی به جهت کاربرد آن در تسهیل مهاجرت و ادغام در فرهنگ کشور میزبان امری ضروری تلقی می‌گردد و از این رو، بخش قابل توجهی از زبان‌آموزان با هدف مسافرت و مهاجرت بین‌المللی اقدام به فراگیری زبان خارجه می‌نمایند. به طوری که، داشتن مهارت زبان خارجی در انتخاب کشور مقصد، کاهش هزینه مالی و روانی مهاجرت، افزایش شانس یافتن شغل مناسب‌تر، کسب دست‌مزد بالاتر و به طور کلی افزایش رفاه در کشور میزبان مؤثر است (آدسرا و پوتلیکوا، ۲۰۱۶).

همچنین یافته‌ها نشان دادند عزم زبان‌آموزان به ارتقاء بهزیستی خود در آینده به طور معنادار و چشمگیری می‌تواند تمایل آن‌ها را به مهاجرت به خارج از کشور پیش‌بینی نماید؛ زیرا همان‌گونه که در پیشینه تحقیق بحث شد تصمیم و مبادرت به مهاجرت یکی از نمودهای عینی مؤید بهخواستی در مهاجران بالقوه و بالفعل می‌باشد، که با نظریه‌های دیگر در خصوص علل

۱. روابط اجتماعی، سلامت و کیفیت زندگی و بهزیستی روان‌شناختی

مهاجرت نیز هم‌سو می‌باشد. در واقع، بهخواستی که محرک و انگیزش اصلی مهاجرت محسوب می‌گردد، در نظریه‌های مختلف با عناوین و مفاهیم متعددی تجلی یافته است. به‌عنوان مثال، در نظریه «دفع-جذب» لی (۱۹۶۶)، بهخواستی با مفهوم «تفاوت فاحش و مطلوب‌تر وضعیت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، جمعیتی، محیط‌زیستی و سایر در سرزمین مقصد نسبت به مبدأ» قرابت ساختاری و محتوایی دارد. از این رو، وضعیت متصوره از سرزمین مقصد در ابعاد مختلف زندگی یک تصویری مطلوب‌تر از بهزیستی آتی فرد در سرزمین مبدأ ترسیم می‌نماید که منجر به شکل‌گیری بهخواستی به‌عنوان یک نیروی انگیزشی شده و فرد را به تصمیم و اقدام به مهاجرت سوق می‌دهد. نظریه نئوکلاسیک مهاجرت نیز با این یافته هم‌سو می‌باشد. نظریه نئوکلاسیک مهاجرت، علت اصلی مهاجرت را تفاوت‌های عرضه و تقاضای کار و اختلافات دستمزد بین کشورهای غنی از سرمایه و غنی از نیروی کار معرفی می‌نماید. همچنین بر اساس نظریه سرمایه انسانی مهاجرت (تودارو، ۱۹۶۹) افراد برای به حداکثر رساندن سود و کامیابی مالی (میتنا کورکوا، ۲۰۰۹) تصمیم می‌گیرند به سرزمین‌هایی که از لحاظ سرمایه و بازار کار غنی‌تر هستند مهاجرت نمایند؛ تا بدین واسطه بهزیستی خود را ارتقاء دهند. این نیز همان انگیزش رفاهی موسوم به بهخواستی می‌باشد. تأثیر بهخواستی بر تمایل زبان‌آموزان به مهاجرت در تحقیق حاضر با یافته‌های معینی و همکارانش (۱۳۹۴) مبنی بر کسب فرصت شغلی بهتر و درآمد بالاتر به‌عنوان مهمترین علت مهاجرت گروهی از ایرانیان به کانادا و یافته‌های صادقی‌نژاد و مظلوم خراسانی (۱۳۹۷) مبنی بر تأثیر مستقیم و معنادار نگرش به آینده شغلی بر تمایل دانشجویان نخبه دانشگاه فوسی مشهد به مهاجرت هم‌خوانی دارد. همچنین هم‌سو با مفهوم بهخواستی، طاهری دمنه و کاظمی (۱۳۹۷) در تحقیقی کیفی دریافتند که سه تم اصلی تصاویر ذهنی جوانان ایرانی متمایل به مهاجرت از آینده‌شان عبارتند از تصاویر ویرانشهری از مبدأ، جاذبه مقصد و پیروی از یک همه‌گیری برای رفتن در میان هم سن و سالان. بنابراین، می‌توان گفت، فرار از بدزیستی محتمل آتی در مبدأ و تلاش برای دستیابی به بهزیستی مطلوب‌تر در کشور مقصد از مصداق‌های مبرهن بهخواستی می‌باشند.

رابطه متفاوت ابعاد بهزیستی کنونی با تمایل زبان‌آموزان به مهاجرت نیز قابل تأمل می‌باشد. با اینکه آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان داد تمایل زبان‌آموزان به مهاجرت با هیچ‌یک از ابعاد بهزیستی کلان همبستگی معناداری ندارد؛ اما نتایج تحلیل‌های مدل رگرسیونی چندگانه

خطی بر تأثیر معنادار و مستقیم بهزیستی روان‌شناختی و تأثیر معنادار و معکوس بُعد روابط اجتماعی روی تمایل زبان‌آموزان به مهاجرت دلالت دارد. هرچند شاخص سلامت و کیفیت زندگی از توان کافی برای نشان دادن تأثیر معنادار روی تمایل زبان‌آموزان به مهاجرت برخوردار نبود. دلیل رابطه معکوس بین روابط اجتماعی و تمایل به مهاجرت می‌تواند از حس تعلق کمتر به دوستان و خویشاوندان در متمایلین به مهاجرت نشئت بگیرد. یعنی هرچه روابط با اطرافیان کم‌تر باشد حس تعلق به افراد پیرامون، نظیر خویشاوندان و دوستان، نیز کمتر شده و تمایل به مهاجرت بالاتر می‌رود. این یافته نیز منطبق بر مبحث موانع مداخله‌گر در نظریه «دفع-جذب» است که اذعان می‌دارد تعلقات به مبدأ از قبیل روابط اجتماعی قوی با دیگران باعث تضعیف تصمیم به مهاجرت می‌شود (رینز و سیدلر، ۲۰۰۹). نتیجه برخی از پژوهش‌های پیشین نیز، یافته‌های این بررسی را تأیید می‌نماید. برای نمونه، صادقی و همکارانش (۱۳۹۷) گزارش نمودند سرمایه اجتماعی تأثیر منفی و قوی بر میزان تمایل به مهاجرت به خارج از کشور دارد و بر اساس یافته‌های صدرا (۱۳۹۰)، بین سرمایه اجتماعی و گرایش به مهاجرت در میان دانشجویان ایرانی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین بنا به گزارش فلاحی (۱۳۹۴)، آن‌دسته از دانش‌آموزان المیادی که حس تعلق قوی‌تر به خانواده داشتند، تمایل کمتری به مهاجرت اعلام نمودند. اما یافته تحقیق حاضر با نتایج بدست‌آمده توسط عباسپور و صباغ (۱۳۹۸) که نشان می‌دهد همبستگی مثبت و معناداری بین روابط اجتماعی بزرگسالان ۲۰ تا ۶۴ ساله شهر خوی و تمایل آن‌ها به مهاجرت وجود دارد مغایر است.

علت رابطه معنادار و مستقیم بهزیستی روان‌شناختی و تمایل زبان‌آموزان به مهاجرت را نیز می‌توان در خصوصیت سختی تصمیم و عملیاتی کردن مهاجرت دانست. لذا انتظار می‌رود جسارت چنین تصمیم و اقدامی نیازمند بهزیستی روان‌شناختی بالاتری باشد، زیرا بهزیستی روان‌شناختی از ابعاد مختلفی نظیر اعتماد به نفس، عزت نفس، اختیار عمل، خودباوری و سایرہ شکل گرفته است. اما یافته موصوف با گزارش یزدانی و رحیمی‌نژاد (۱۳۹۲) مبنی بر فقدان رابطه معنادار بین بهزیستی روان‌شناختی و نگرش به مهاجرت در بین گروهی از دانشجویان دانشگاه تهران مطابقت ندارد. شاید علت این تناقض را بتوان در نتیجه‌گیری مطالعه مروری سیمپسون (۲۰۱۳) یافت که گزارش می‌دهد یافته‌های مربوط به رابطه بین ابعاد بهزیستی و شادکامی با تمایل به مهاجرت در بسترهای اجتماعی و جغرافیایی مختلف متفاوت و گاهی متناقض بوده

است. بعضی مطالعات، رابطه معنادار و معکوس (نظیر اوتراچشنکو و پوپووا، ۲۰۱۴؛ چیندارکار، ۲۰۱۲؛ کای و همکاران، ۲۰۱۴) گزارش نموده‌اند. برخی نیز وجود رابطه زانوشکل را گزارش نموده‌اند (نظیر ایولوز، ۲۰۱۵؛ پولگرین و سیمپسون، ۲۰۱۱) که نشان می‌دهد تمایل به مهاجرت در بین افرادی که بالاترین و پایین‌ترین سطح رفاه ذهنی را دارند از صاحبان رفاه ذهنی متوسط بیشتر است.

برخلاف پژوهش‌های پیشین در زمینه مهاجرت که عموماً آشکارا یا پنهان بر ابعاد اقتصادی، اجتماعی و جامعه‌شناختی مهاجرت تمرکز داشته‌اند و از جنبه‌های مختلفی به تمایل و اقدام به مهاجرت پرداخته‌اند، در مطالعه حاضر، کوشش گردید تمایل به مهاجرت از منظر چارچوب انگیزشی-رفاهی موتیوونیا و با رویکردی جامع و تلفیقی از جامعه‌شناختی و روان‌شناختی مهاجرت بررسی شده و ارتباط رفاه و بهزیستی از یک سو و انگیزش و عملکرد انگیزشی در متمایلین به مهاجرت از سویی دیگر مورد پژوهش قرار گیرد. تا جایی که نگارندگان اطلاع دارند، این نوع نگاه تلفیقی جامعه‌شناختی و روان‌شناختی به امر مهاجرت یک رویکردی جدید بوده و می‌تواند آغازگر جریانی جدید برای تحقیقات آتی پژوهشگران تلقی گردد. یافته‌های این پژوهش می‌تواند در مطالعات آموزش زبان خارجه خصوصاً ارتباط آموزش زبان خارجی و عوامل انگیزشی زبان دوم نیز مفید باشد. همان‌گونه که افرادی که قصد مهاجرت برون‌مرزی دارند، به آموزش زبان خارجه به‌ویژه زبان انگلیسی احساس نیاز می‌کنند تا گذران دوران مهاجرت و پسمهاجرت را تسهیل نمایند، فراگیران زبان خارجه نیز که به موجب علل دیگری در دوره‌های آموزش زبان شرکت می‌نمایند ممکن است مستفاد از مفاد درسی از قبیل کتاب‌ها و چندرسانه‌هایی چون برنامه‌های تلویزیونی و فیلم‌های زبان اصلی، تحت تأثیر جاذبه‌های اجتماعی، اقتصادی و خصوصاً فرهنگی کشورهای مقصد قرار گیرند و انگیزه‌های مهاجرت در آن‌ها ایجاد و یا تقویت گردد. اما متأسفانه رویه موجود در مطالعات نظری و تجربی در رشته زبان‌شناسی کاربردی به‌طورعام و زبان انگلیسی به‌طورخاص، بیشتر بر تأثیر تمایل به مسافرت یا مهاجرت برون‌مرزی به‌عنوان متغیر مستقل بر آموزش زبان خارجی به‌عنوان متغیر وابسته متمرکز بوده است. این در حالی است که ارتباط بین آن دو به‌صورت دوسویه می‌باشد و لازم است رابطه در جهت مخالف نیز، یعنی تأثیر آموزش زبان انگلیسی بر تمایل و اقدام به مهاجرت مورد مطالعه قرار گیرد. لذا در تحقیق حاضر، کوشش گردید نگاه صاحب‌نظران و پژوهشگران رشته آموزش

زبان انگلیسی و زبانشناسی کاربردی^۱ به این امر معطوف گردد.

از این رو، هدف اصلی از تحقیق حاضر بررسی روایی چارچوب موتیوونیا در تبیین تمایل به مهاجرت در میان زبان‌آموزان بوده است. فرض بر آن بوده که بهزیستی عملیاتی حوزه زبان انگلیسی و بهخواستی یعنی آرزو و نیت زبان‌آموزان برای ارتقاء بهزیستی خودشان در آینده هر دو بتوانند به صورت چشمگیری تبیین‌کننده تمایل به مهاجرت به خارج از کشور به عنوان نوعی رفتار انگیزشی باشند. زیرا از طرفی بهزیستی عملیاتی حوزه زبان انگلیسی می‌تواند با ایجاد بهزیستی عاطفی و روانی مثبت نسبت به کشور، فرهنگ و جامعه انگلیسی‌زبان‌ها و یا دیگر جوامع غربی و از سویی دیگر قصد ارتقای بهزیستی اقتصادی، اجتماعی، سلامتی و روان‌شناختی به موجب ملاحظه تفاوت‌های میانگین این عوامل بین کشورهای مقصد که اغلب کشورهای پیشرفته می‌باشند با ایران به عنوان کشور در حال توسعه منجر به ایجاد تمایل به مهاجرت در میان زبان‌آموزان شوند. در نهایت، نتایج پژوهش منطبق بر انتظارات نگارندگان و فرضیات تحقیق بوده است و نشان داد که هر دو بُعد اصلی موتیوونیا یعنی بهزیستی عملیاتی و بهخواستی به طور چشمگیری واریانس تمایل به مهاجرت در میان زبان‌آموزان را تبیین می‌نمایند. همچنین نتایج نشان داد دو بُعد از میان سه بُعد بهزیستی کلان کنونی یعنی بهزیستی روان‌شناختی و روابط اجتماعی (اولی در جهت مستقیم و دومی در جهت معکوس)، به طور معناداری، هر چند با اندازه تأثیر ضعیف، واریانس تمایل به مهاجرت را توضیح می‌دهند. در حالی که سلامت و کیفیت زندگی، توان کافی و معنادار برای تبیین تمایل زبان‌آموزان به مهاجرت را نشان نداد.

این یافته‌ها از آن جهت نیز ارزشمندند که می‌توانند به سیاست‌گذاران و دولتمردان در شناخت صحیح علل تمایل بخشی از ایرانیان به مهاجرت از کشور کمک نمایند تا با سیاست‌گذاری‌های مبتنی بر واقعیت و رفع مشکلات پیش روی قشر تحصیل‌کرده جامعه، خروج این سرمایه‌های ارزشمند انسانی از کشور را کاهش دهند. با آگاهی از تأثیر وضعیت جوانب مختلف بهزیستی افراد در تصمیم آن‌ها به مهاجرت، می‌توان سیاست‌گذاری‌های مناسب اتخاذ نمود تا نگاه آنان برای ارتقاء بهزیستی از بیرون مرزها به درون معطوف گردد. همچنین به تصمیم‌گیران دولتی توصیه می‌شود، برای کاهش گرایش به مهاجرت، تدابیری اتخاذ نمایند تا روابط اجتماعی ایرانیان در خانواده و اجتماع تقویت شده و از این طریق پابندی آن‌ها به وطن افزایش یابد.

منابع

- دادگستری کل استان تهران (۱۳۹۹). محدوده دادگستری شهرستان بهارستان، قابل دسترس در: <https://dadgostari-th.eadl.ir>
- صادقی، رسول، غلامرضا غفاری و مریم رضایی (۱۳۹۷). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر تمایل به مهاجرت از ایران. *دوفصلنامه مطالعات جمعیتی*، دوره ۴، شماره ۲، صص ۱۰۸-۸۳.
- صادقی‌نژاد، مهسا و محمد مظلوم خراسانی (۱۳۹۷). نگرش نخبگان علمی به آینده شغلی در ایران و تأثیر آن بر تمایل به مهاجرت، *توسعه اجتماعی*، دوره ۱۲، شماره ۳، صص ۲۸-۷.
- صدرآ، علی (۱۳۹۰). *بررسی نقش سرمایه اجتماعی و تأثیر آن در گرایش به مهاجرت خارج از کشور*. پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه گیلان.
- طاهری دمنه، محسن و معصومه کاظمی (۱۳۹۷). تمایل به مهاجرت در بین جوانان؛ مطالعه‌ای کیفی در تصاویر آینده. *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، دوره ۱۰، شماره ۴، صص ۷۸-۵۳.
- عباس‌پور، محمد و صمد صباغ (۱۳۹۸). مطالعه رابطه سرمایه اجتماعی و فرهنگی با میزان گرایش به مهاجرت از شهر خوی، *مطالعات جامعه‌شناسی*، دوره ۱۲، شماره پیاپی ۴۲، صص ۲۲-۷.
- فلاحی، کیومرث (۱۳۹۴). بررسی رابطه تعلق خانوادگی، هویت ملی و پایبندی به ارزش‌ها با میزان مهاجرت دانش‌آموزان المپیادی به خارج از کشور. *فصلنامه خانواده و پژوهش*، دوره ۱۲، شماره ۴، صص ۱۱۰-۹۳.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۹). نتایج تفصیلی سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵، قابل دسترس در: <https://www.amar.org.ir>
- معینی، سیدرضا، هاجر کلاهدوزان و مصطفی مختاری (۱۳۹۴). شناخت عوامل اجتماعی مؤثر بر مهاجرت نیروی کار به کانادا طی سال‌های ۸۶ تا ۹۱، *علوم اجتماعی*، دوره ۹، شماره ۲، صص ۱۹۲-۱۶۷.
- یزدانی، اسماعیل و عباس رحیمی‌نژاد (۱۳۹۲). رابطه بهزیستی روان‌شناختی و مولفه‌های هویت ملی با نگرش به مهاجرت در دانشجویان. *دومین کنگره روان‌شناسی اجتماعی ایران*، تهران، صص ۸۴۹-۸۴۵.
- Adserà A. & M. Pytliková (2016) Language and migration. In V. Ginsburgh & S. Weber (Eds.), *The Palgrave handbook of economics and language*. Palgrave Macmillan. https://doi.org/10.1007/978-1-137-32505-1_13
- Aristotle. (2011). *Nicomachean ethics* (R. C. Bartlett & S. D. Collins, Trans.). University of Chicago Press.
- Azadi, P., Mirramezani, M., & Mesgaran, M. B. (2020). *Migration and brain drain from Iran, (working paper 9)*. Stanford Iran 2040 Project, Stanford University.

- Brell, C., C. Dustmann, & I. Preston (2020). The labor market integration of refugee migrants in high-income countries. *Journal of Economic Perspectives*, 34(1), 94–121.
- Cai, R., N. Esipova, M. Oppenheimer, & S. Feng (2014). International migration desires related to subjective well-being. *IZA Journal of Migration*, 3(1), 1–20.
- Chindarkar, N. (2012). Is subjective well-being of concern to potential migrants from Latin America? *Social Indicators Research*, 115(1), 159–182. <https://doi.org/10.1007/s11205-012-0213-7>
- Cohen, J., P. Cohen, S. G. West, & L. S. Aiken (2003). *Applied multiple regression/correlation analysis for the behavioral sciences* (3rd ed.). Routledge.
- Cummins, R. A. (1996). The domains of life satisfaction: An attempt to order chaos. *Social Indicators Research*, 38(3), 303–328.
- Deci, E. L., & R. M. Ryan (2000). The "what" and "why" of goal pursuits: Human needs and the self-determination of behavior. *Psychological Inquiry*, 11(4), 227–268.
- Diener, E. (1984). Subjective well-being. *Psychological Bulletin*, 95(3), 542–575.
- Dörnyei, Z. (2003). Attitudes, orientations, and motivations in language learning: Advances in theory, research and applications. *Language Learning*, 53(1), 3–32.
- Dustmann, C., & A. Glitz (2005). *Immigration, jobs and wages: Theory, evidence and opinion*. Centre for Research and Analysis of Migration, CEPR.
- Graham, C., & J. Markowitz (2011). Aspirations and happiness of potential Latin American immigrants. *Journal of Social Research & Policy*, 2(2), 1–17.
- Hicks, J. R. (1932). *The theory of wages*. London: Macmillan.
- Higgins, E. T. (1987). Self-discrepancy: A theory relating self and affect. *Psychological Review* 94, 319–340.
- Higgins, E. T. (1998). Promotion and prevention: Regulatory focus as a motivational principle. *Advances in Experimental Social Psychology*, 30, 1–46.
- Hiwatari, M. (2016). Social networks and migration decisions: The influence of peer effects in rural households in Central Asia. *Journal of Comparative Economics*, 44(4), 1115–1131.
- Huseynpur, B. (2021). *On EFL wellbeing and its relationship with EFL motivation* [Unpublished doctoral dissertation]. Sarab Branch, Islamic Azad University.
- International Organization for Migration, & United Nations. (2019). World migration report 2020. International Organization for Migration.
- Iran Migration Observatory (IMO) (2020). *Iran migration outlook 2020*. Sharif Policy Research Institute, Sharif University of Technology.
- Ivlevs, A. (2015). Happy moves? Assessing the link between life satisfaction and emigration intentions. *Kyklos*, 68(3), 335–356.
- Lee, E. (1966). A theory of migration. *Demography*, 3(1), 47–57. <http://www.jstor.org/stable/2060063>
- Markus, H., & P. Nurius (1986). Possible selves. *American Psychologist*, 41(9), 954–969.
- McGrath, R. E., & G. J. Meyer (2006). When effect sizes disagree: the case of r and d. *Psychological Methods*, 11(4), 386–401.

- Mytna Kurekova, L. (2009). Theories of migration: Critical review in the context of the EU east-west flows. *Best Participant Essay Series, CARIM-EUI*.
- Otrachshenko, V., & O. Popova (2014). Life (dis)satisfaction and the intention to migrate: Evidence from Central and Eastern Europe. *The Journal of Socio-Economics*, 48, 40–49.
- Polgreen, L. A., & N. B. Simpson (2011). Happiness and international migration. *Journal of Happiness Studies*, 12(5), 819–840.
- Pontin, E., M. Schwannauer, S. Tai, & P. Kinderman (2013). A UK validation of a general measure of subjective well-being: the modified BBC subjective well-being scale (BBC-SWB). *Health and Quality of Life Outcomes*, 11(1), 1–9. <https://doi.org/10.1186/1477-7525-11-150>
- Rainer, H., & T. Siedler (2009). The role of social networks in determining migration and labour market outcomes: Evidence from German reunification. *Economics of Transition*, 17(4), 739–767.
- Ryan, R. M., & F. Martela (2016). Eudaimonia as a way of living: Connecting Aristotle with self-determination theory. In J. Vittersø (Ed.), *Handbook of eudaimonic well-being* (pp. 109–122). Springer.
- Ryff, C. D. (1989). Happiness is everything, or is it? Explorations on the meaning of psychological well-being. *Journal of Personality & Social Psychology*, 57(6), 1069–1081.
- Ryff, C. D. (2014). Psychological well-being revisited: Advances in the science and practice of eudaimonia. *Psychotherapy and Psychosomatics*, 83(1), 10–28.
- Seligman, M. E. (2012). *Flourish: A visionary new understanding of happiness and well-being*. Simon & Schuster.
- Simpson N. B. (2013) Happiness and migration. In A.F. Constant & K.F. Zimmerman (Eds.), *International handbook on the economics of migration* (pp. 393–407). Edward Elgar Publishing.
- Tabachnick, B. G. & L. S. Fidell (2013). *Using multivariate statistics* (6th ed.). Pearson Education.
- Teo, T. (Ed.). (2014). *Encyclopedia of critical psychology* (Vols. 1–4). Springer.
- Todaro, M. P. (1969). A model of labor migration and urban unemployment in less developed countries. *The American Economic Review*, 59(1), 138–148.
- World Health Organization (2006). Orientation programme on adolescent health for health care providers.

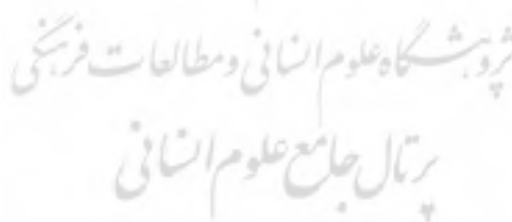
Migration and Motivonia: The Role of Wellbeing and Well-Willing on English as a Foreign Language Learners' Desire to Migration

Babak Huseynpur*, Hossein Sadeghoghi**, Afsar Rouhi***

Abstract

In recent years, the tendency to emigrate among Iranians has greatly expanded. Therefore, in this study, employing the framework of Motivonia (motivational wellbeing) as a new theoretical perspective in the field of wellbeing, the effect of wellbeing and well-willing among English language learners on their desire to emigrate has been investigated. Through convenient sampling, 193 English language learners entered the study. The learners were either English students of the Islamic Azad University of Islamshahr or pupils of six secondary schools of Baharestan County who were attending English courses in private language institutes along with their school English courses. The data were collected via a self-developed questionnaire in the period from October to the end of December 2019. The results of multiple linear regression indicated that the learners' L2-domain engaging wellbeing, desire to improve their future wellbeing (as an indicator of well-willing), and two dimensions of general wellbeing (i.e. social relationships and psychological wellbeing) had significant effects on their desire to emigrate. Thus, in order to prevent the emigration of human capital, the government can turn the Iranian view of promoting wellbeing within the borders through fact-based policies.

Keywords: migration, motivonia, wellbeing, well-willing, English language learning, positive psychology.



* Ph.D. Candidate, Department of English, Sarab Branch, Islamic Azad University, Sarab, Iran. E-mail: babak.elsan@gmail.com

** Assistant Professor, Department of English, Sarab Branch, Islamic Azad University, Sarab, Iran (Corresponding Author). E-mail: hsadeg2000@yahoo.com

*** Associate Professor, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran. E-mail: afsarrouhi@uma.ac.ir